



برکناری منتظری

گرفته اند فاصله بگیرد. تصمیم به برکناری منتظری، تصمیمی نیست که بسادگی اتخاذ شده باشد. این بحران حکومت اسلامی مهمترین بحران تاریخ آنست. برکناری منتظری با هیچیک از اقدامات تاکنونی حکومت در جنگ بین جناحها و برای حل بحران حکومتی قابل مقایسه نیست. با این عمل رژیم فقها از سر تا پا و خصوصاً در میان پایه اجتماعی آن دچار پریشانی و سردرگمی و انشقاق میشود و اگر از پیاپی مدهای آنی و خطیر آن بگذریم، بمعنی واقعی حکومت فقها در یک بحران نهایی شده است. فرومیزود. دیگر فقها نمی توانند در صفحه ۲

منتظری، "امید ما مومنان" و چشم و چراغ امت حزب الله، توسط "رهبر" برکنار شد. این برکناری متعاقب مکتوبات اخیری با خمینی که در آخربین آنها وی در پاسخ به خواست خمینی برای کناره گیری از پست قائم مقام رهبری، آمدگی خود را برای استعفا اعلام نموده و پاسخ صریح خمینی که ضمن تخریف از وی، به روشنی عدم صلاحیت منتظری را برای رهبری عنوان کرده بود، اعلام شد. در نامه اخیر است که خمینی از عدم بختگی وی و تبدیل شدن "بیت" او به محل تمرکزنا را ضیان اظهارنا رضایتی نموده و از وی صریحاً می خواهد که از شیا طینی که دوروبر او

تروریسم فقها و وظایف ما

چهارشنبه ۲۹ مارس عبداللہ الاحدال امام مسجد بروکسل، رهبر مسلمانان سنی ساکن کشورهای بلژیک، لوکزامبورگ و... و کتا بدار مسجد بنام سالما لبحیر در مقابل مرکز اسلامی بروکسل توسط افراد ناشناسی ترورشدهند. جمعه ۳۱ مارس گروهی تروریست تحت نام "سربازان حقیقت" مسئولیت قتل آن دورا با صدور اطلاعیه ای در بیروت برعهده گرفته و اعلام کرد که آنها علیه اسلام و مقدسات آن فعالیت های مضر و خائنه داشته اند. گروه مزبور در همان اطلاعیه ضمن حمله به عربستان سعودی، قسم خورد که همه خائنان به سلام را به سزای اعمالشان خواهد رساند. عبداللہ الاحدال، تبعه عربستان سعودی، چند روز پس از وارد شدن فتوای قتل سلمان رشدی از جانب خمینی و بلا گرفتن سروصدای جهانی برسر آن، طی یک مباحثه تلویزیونی، علیه غم تکفیر سلمان رشدی، کتا ب آیه های شیطانی و الزام سوزانده شدن کتا ب، صدور حکم قتل از جانب خمینی را نادرست اعلام نموده و آنرا تقبیح کرده بود.

هم خمینی و سران حکومت اسلامی که مدتها و مدت طولانی چندین هفته مخالفین فتوای قتل رشدی را تهدید به مرگ میکردند و هم سران همه دولت های اروپائی که گوی سبقت را در حمایت از سلمان رشدی و آزادی قلم و عقیده بریده و خود را شوالیه های مدافع آزادی جلوه میدادند، سکوت کرده اند. آیا کسی هست که در پشت نامهای شیعی همچون "سربازان حقیقت"، "پاسداران اسلام"، "حزب الله" و... در صفحه ۳

بزرگداشت ۸ مارس

روز جهانی زن

سوئد - استکهلم:

بزرگداشت ۸ مارس

برلین غربی

۷ مارس - مباحثه را دیوثی:

۸ مارس - تظاهرات ۲۵۰۰ نفره زنان:

۱۱ مارس - جشن بین المللی زنان:

۱۲ مارس - جشن ویژه زنان ایران:

در صفحه ۷

روابط بین المللی ما:

سیاست ما در رابطه با احزاب کمونیست و چپ

السالوادور: در صفحه ۱۲
ارتش مزدور

نمایش انتخابات

را اجرا میکند!

زندگی و مبارزات پناهندگان

سوئد - در صفحات ۸ و ۹

"شب همبستگی با زندانیان سیاسی"

اعتراض علیه اخراج پناهندگان

اتریش - وین نوروز در وین!

آلمان فدرال -

دفاع از آزادی و

محکومیت حکم قتل سلمان رشدی

ابرا ز نفرت

به فتوای جنایتبار خمینی

برگزاری جشن نوروز

مراسم سال نو برمزار شهیدان

دوشنبه ۲۹ اسفند همزمان با تحویل سال نو گورستان خاوران شاهدا اجتماع عظیم خانواده های شهدای خلق بود که بر سر مزار عزیزان خود مراسم سال نو را برپا داشتند. قریب چهار هزار نفر از خانواده های شهدا و سایر مردم موقع تحویل سال را به نشانه گرامی میداشت عزیزان و ابراز انجزار و نفرت از جلادان آنها در یک مراسم پنج ساعته در گورستان خاوران گذراندند. مزدوران حکومتی که در اکیبهای متعدد مسلح گشت میدادند به کثرت جمعیت وترس از انفجار خشم آنها جرات نزدیک شدن و ایجاد خلال را پیدا نکرده و بعد از مدت زمانی محوطه را ترک کردند.

رشدن شوقاً شیسیم

در اروپای غربی و آمریکا

رشدن شوقاً شیسیم (راست افراطی)، ظاهراً اروپای غربی و آمریکا شمالی را شوکه کرده است. جریان های متعدد نشوقاً شیسیتی، که علیه غم اختلاف نظرهای قابل چشم پوشی و دعواهای زرگری، بریستر بحران نظام میریابستی نقاط اشتراک مستحکمی

علیه اعدا و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

از صفحه ۱

برکناری منتظری

به "ولایت فقیه" بعنوان هسته اصلی و سازنده رژیمشان امیدوار باشند. چرا که در غیاب خمینی و برکناری منتظری، شورای رهبری می‌بایدسکاندار امور شود اما با در نظر گرفتن ترکیبهای احتمالی و مقدور برای فقیها، شورای رهبری آنها فاقد هرگونه اتوریته لازم جهت فعالیت بعنوان مرجع مذهبی و از آن طریق اتوریته حکومتی، خواهد بود. مهمتر از آن در وضعیت کنونی، گرداندن هرامری، ایجاد تعادل و اصلاحیات و ممانعت رژیم استبدادی فقیها بیش از هر زمانی بوجود شخص خمینی وابسته شد، و اینهمه نشانه نگرندت بحران حکومتی و بیابانگروختن واقع است.

اگر چنین است، خمینی با این اقدام در حقیقت خریدن تمامی عواقب آن، قدم پیشی گرفتن بر "بلای" راداشته که در حال نازل شدن بود و بنا بر این سوال مهمی که باید بررسی شود این است که چرا اقدام و وضعیت قبلی میسر نبود؟

به بیان دیگر منتظری چرا می‌توانست نقشی چنان منفی در بهم زدن تعادل قدرت داشته باشد که تحمل وی دیگر جایز نبود؟

برای پاسخ به سوال فوق، لازم است مقدمتاً تحولات پس از آتش بس را بلحاظ فعل و انفعالات درون حکومت مرور کنیم. پس از اینکه خمینی تصمیم به پذیرش آتش بس گرفت، اختلافات با کمانی که در مورد مسئله "بازسازی" مقامت می‌کردند حادث شد. این جناح که به جناح "چپ" (یعنی جناح‌ها روفاشیستی حزب الله) معروف شده خواهان ادامه سیاست هفت تیرکشی در عرصه بین المللی و تمرکز دولتی اقتصاد در داخل، یعنی دولت مستضعفان بود. "خط" جناح اصلی حکومت که مردان خمینی همچون رفسنجانی آنرا طراحی و عنوان می‌کردند، با زسازی با میدان دادن به بخش خصوصی در داخل، تمرکز و اقتدار دولت و سرکوب سیاسی و برخی رفرمهای اجتماعی و اتکا به امپریالیسم و نزدیکی با غرب بود، این "خط" فقط با جناح حزب الله، که از آن برآشفته شده بود، درگیر نبود. بلکه خط دیگری که از جانب منتظری بیسان میشد و خواهان وسیع شدن پایه اجتماعی رژیم با اختلاف با لیبرالهای مذهبی، تشکیل جبهه اسلامی، و نوعی لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی در داخل، حمایت از جنبشهای اسلامی در خارج و تبلیغ سیاسی فرهنگی در سطح بین المللی و بنوعی خروج از انزوا بود، خطر مهمتر و بزرگتری بود، چرا که این خط متناقض که برای هر کس چیزی داشت و با انحصار حکومتی جناح اصلی درگیر میشد، مرکز تلاقی طیف وسیعی از اپوزیسیون درونی حکومت تا اپوزیسیون قانونی لیبرالها، مراجع تقلید بزرگ و حجتی گروههایی مانند حجتیه شده و خصوصاً با تاثیر روی طیف گسترده اجتماعی، چه مربوط به خود حکومتیان و چه گروهبندهای دیگر، تبدیل به یک آلترنا تیو

درونی حکومت میگردد.

"خط" اما میبا "با مقامت در برابر پیشروی خط با زسازی جناح اصلی، خمینی را واداشتند که با ما نورهائی در صدد کنترل اوضاع برآمده و حجتی بعضی مواضع آنها را تقویت کند چرا که در مقام بله با آلترنا تیوی که به بیرون از حکومتیان کشیده میشد، به آنها نیاز داشت. برای چنین مقابله‌های جدی او به ما نورهائی همیشگی و برآه انداختن گرد خاک چه در درون و چه در بیرون مملکت، مانند جریان سلمان رشدی، همرو آورد. با این اقدامات حتی این شبهه را که جناح خط اما میبا برای اوضاع مسلط شده اند پیش آورد، و محافل غربی و اذهان لیبرالی کسه برآستی این حکومت و بحران واقعی مملکت را نشناخته اند، شوکه کرد. همانها می‌که در مقطع مطرح شدن خط با زسازی جناح مسلط، از پیشروی بی چون و چرای آن دم میزدند.

در تمام این مدت و در پشت پرده و گاه بصورت علنی اقدامات خط آلترنا تیوی منتظری و مقابله خمینی و مردان او با آن اقدام داشت، سخنرانیهای منتظری در دیدارها ملاقات کنندگان و حملهبه مدیریت ضعیف و نالایق دولتی، اظهار نظر صریح در مورد سیاست غلط جنگ و ادامه آن و نامه‌های او در مخالفت با قتل عام زندانین سیاسی خط با به خمینی و مسئولین زندان اوین، فراهانی، توطئه "های این آلترنا تیو بود، واکنش خمینی در برابر این اقدامات بصورت برآشفتنگی و نگرانی زبا دخود را نشان میداد.

صدور پیام سوم سفند خطاب به روحانیون، کسه طی آن حمله شدیدی علیه مراجع بزرگ، حجتیه و اقدامات منتظری کرده بود، و سایر برپیا مها و تذکرات خمینی، اقدامات متقابل او محسوب میشوند.

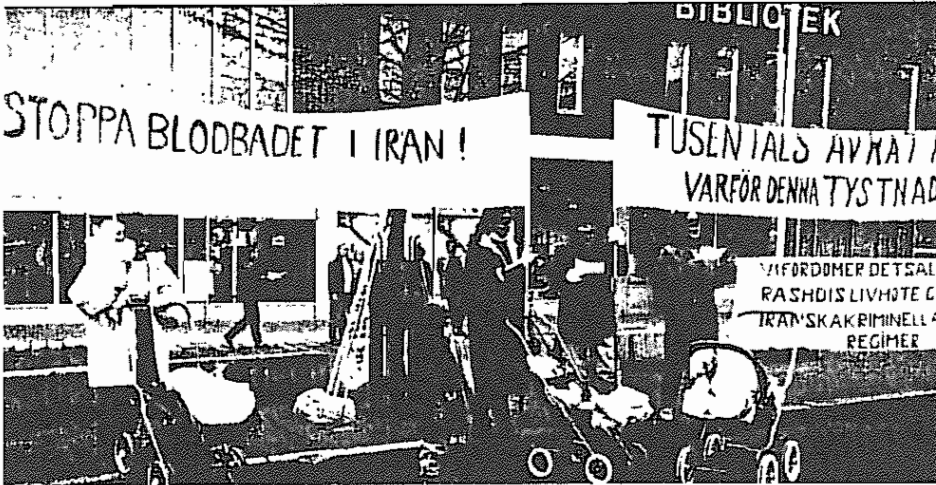
گرایشات متناقض منتظری به معنی نزدیکی با همه گرایشات مختلفی است که به دلایل مختلف با تعلق او از اسلام و حکومت هموستند: با زاریان محترم به دلیل گرایش به آزادی کسب و کار و بدون دخالت دولت، پایه متوهم و غیر بوروکراتیزه شده حزب الله، به دلیل آرمانخواهی منشوش و سردرگش، لیبرالهای رنگارنگ به دلیل طلبیدن سهم خود از قدرت و... بی دلیل نیست که "بیت" منتظری به محل شکایت با زاریانی که از "دخالت" دولت نگران بودند تبدیل شده بود و در عین حال سازمان نگران اصلی اعتراضات منتظری، دانشجویان مسلمان که تضادهای روشنی با "محتکران" الوصفت دارند با پنا بردن به زیرعبارت "آقا" صریحاً خواهان تشکیل حزب خود می‌شوند و به گرایش به غرب امثال رفسنجانی نیز حمله میکنند. لیبرالهای رنگارنگ از با زرگان و نهضت آزادی گرفته تا بنی صدر نیز در بنانه منتظری خواهان پلورا لیسم اسلامی خود میشوند، بنی صدر حتی در پیام سال نو خود صراحتاً از

منتظری و خط او، که با دعای بنی صدر همان درخواست با زگشت به "دوران اندیشه مرجع انقلاب" است، دفاع کرده و آنچنان وضع خمینی و اطرافیان او را بعلمت در منگنه ترا رگرفتن از جانب روحانیون و حوزه‌ها و بدیده گفت از کمانی که از سوی خمینی برای او پویا آورده اند خواهان انتقاد از خط او و علنی توسط خمینی و سایر سردمداران انحصار طلب "ملاتاریا" شده است. در یک کلام، امسکات منتظری با دولت مردان اصلی حکومت و در برآست آنها خمینی و رفسنجانی بر سر مهمترین سیاستهای بین المللی و داخلی رژیم، وی را به سنگری همگانی تبدیل نمود که در پشت آن نیروهای مختلف خود را آرایش داده و برای به هم زدن تعادل قوا به خود دلخظه شماری میکردند. بویژه این درگیریه در مقطع زمانی نزدیکی به انتخابات ریاست جمهوری اوج میگرفت. انتخاباتی که گویا قرار است همراه با املاحاتی در قانون اساسی برای افزودن بر اقتدار رئیس جمهور به مقدار قابل ملاحظه با کمانندیداری و رفسنجانی برگزاشود، که معنی آن همه کاره شدن رفسنجانی پس از این انتخابات است، اما اعتراضات منتظری و فعال شدن سایر معترضین حول او مواضع مهمی در این راه بوجود می‌آورد. در این شرایط است که منتظری برکنار میشود، چرا که در غیر این صورت تمرکز نیروهای مختلف اپوزیسیون حول او با شتاب بیشتری صورت گرفته و خواهسته‌های نظیر تشکیل حزب که توسط بعضی از خط اما میبا، امثال اصغری از رهبران دانشجویان خط امام مطرح شده است میتوانند به خواهسته‌های خطرناک دیگری نظیر سهیم شدن در قدرت، "دموکراتیزه کردن نحوه تعیین سهم زغنا ش حکومتی - که نتیجه منطقی آزادی احزاب است - و بازخواست از مسئولین اصلی نارضایتی توده‌ها و غیره منجر شود. این یعنی فزاینده کردن سواخ کشتی حکومت در امواج بحران و در جانشین مردم جان به لب رسیده از فضا رفلکت و منزجر از تمام این حکومت سنگین چون فنی فشرده شده اند، با شل شدن اقتدار حکومت، چه خطرهای بر سر راه آخوندها بوجود می‌آورند.

با گنا رگذا شته شدن منتظری، ظاهراً یک خاکریز دیگر فتح شده است. حکومت فقیها گام دیگری در جهت انطباق دادن اسلام با منافع حکومتی و انبیسار با ائتلاف و نزدیکی بیشتر با مباح را دیگال هسا برداشت. این گام اما به علت اینکه ملازم اصلاحات داخلی، با زسازی و برآورده کردن انتظارات مردم نیست، برعکس چشم انداز تعمیق فلاکت توده‌ها و سرکوب را برجسته تر کرده و حتی کشورهای امپریالیستی را هم زحل بحران نا امید نموده و انزوی حکومت را بیشتر میکنند. لاجرم تضادهای دیگر و درگیریهایی حادثری را بدنبال خواهد داشت. سر نوشت قطعی منتظری نیز در آینده و نه امروز معین خواهد شد. اما آنچه که قطعی است عواقب نا معین خپروهنسوز غیرقابل پیش بینی ناشی از برکناری او است، که در آینده روشن تر میشود.

سوئد :

تظاهرات کارکنان رلسکوگا در حمایت از رشدی



تروریسم فقها و وظایف ما از صفحه ۱

"دیوانگان الله" دستهای خون آلود و جنايتكار رژيم اسلامي و سرانشران نبيند؟ براي ديدن نقش مستقيم رژيم ارتجاعی - مذهبی اسلامي "تروراخيبر و دهها جنايت ديگر در کشورهاي اروپايي احتياج به تلسکوپ نيست، سودتنها معيار ارزش اخلاقي معتبر براي سرمايه داري است، اگرچه دول اروپايي تحت فشار افکار عمومي و ابعا د تحمل نا پذير تروريسم دولتي رژيم اسلامي و ادا ربه ما نورهاي از قبيل تحريم فرهنگي، ... گردیده و مناسبات برخي از آنها با جمهوري اسلامي در سطح ديپلما تيك شكرا ب گرديده، اما مناسبات في ما بين مشتري و فروشنده چيز ديگري است! اگر گسترش ديپلماسي در سطح دجار مانع است، چرا در عمق وزير زمين گسترده نگردد. آنها از آسيا با افتاده است، ديگر صلاح نيست بيش از اين سرصدا بپا شده، سود به پاي مسائل ريزوژست هاي حقوق بشري قرباني شود.

ششم رس جمعی از ایرانیان مقيسم کارکنان رلسکوگا تظاهراتي را که از طريق ايجا ديک کمیته اقدام تدارک ديده بودند در اعتراض به کشتار زندانيان سياسي ايران و در محکوميت رژيم اسلامي در صورت کتل سلمان رشدی برگزار کردند، که به شکل گسترده اي از طريق راديو، روزنامه ها و تلویزيون ايالت "ورلند" انعکاس يافت.

در اين بيا نيه تظاهرات هر کتندگان همچنين اعتقاد دخيوش را به اصل آزادي هاي بي قيد و شرط سياسي و از جمله قلم و سياي مورد تا کيد قرار دادند.

تظاهراتي که در مسقط و وزير زمين گسترده نگردد. آنها از آسيا با افتاده است، ديگر صلاح نيست بيش از اين سرصدا بپا شده، سود به پاي مسائل ريزوژست هاي حقوق بشري قرباني شود.

تظاهرات هر کتندگان با اشتها رسيان بزيان سوئدي وفا رسي خوا ستار - بستان سفارتخانه ايران در استکهلم به نشانه ي گامی عملی در

عليه تروريسم جمهوري اسلامي

اعتراض به تروريسم آشکارو عيان گسيخته رژيم جمهوري اسلامي، اعتراض به صدور حکم قتل سلمان رشدی، دفاع از دمکراسي و آزادي بيان هدف تظاهرات استاده اي بود که در تاريخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۹ در مقابل درب پارلمان سوئد برگزار گردید. همزمان با تظاهرات وزراي خارجه کشورهاي اسکانديناوي در محل پارلمان سوئد مشغول مذاکره بزرگ اتحاديه است مشترک در مقابل تعرض مذهبي - تروريستي رژيم اسلامي بودند. به اين دليل همان ساعات مذاکره وزراي خارجه کشورهای اسکاندينايي براي تظاهرات توسط کمیته اقدام دمکراتيک انتخاب گردیده بود. در پايان جلسه وزراي خارجه آنها از پارلمان خارج شده و با ايرانيان تظاهرات کننده روبرو گردیدند که شعارهاي "سفات جمهوري اسلامي را ببنديد" قطع هرگونه روابط اقتصادي - سياسي با ايران، مرگ بر رژيم تروريستي اسلامي ايران را فریاد میکردند. تا اين لحظه پليس که براي متفرق کردن ايرانيان معترض فشار آورده و متوسل به زور میگردد، کتا رکشيدتا در مقابل چشمان آقا يان وزرا دمکراسي محدود نگردد! وزرا نيز هرکدام در مقابل اتومبيلهاي خود مکث کرده برخي از آنها با دوربین هاي شخصي از تظاهرات عکس گرفتند. خبرنگاران سوئدي و خارجي نيز که همراه آنها بودند از تظاهرات عکس و فيلم گرفتند. گزارش اين تظاهرات به تفصيل در ساعات متوالي از راديو استکهلم پخش گردید، اما روزنامه ها کماکان از انعکاس خبر خودداري کرده و سکوت را ترجيح دادند.

جمهوري اسلامي

در تدارک جوخه هاي مرگ دريبي فتواي خميني مبني بر قتل سلمان رشدی "نويستنده کتاب" آيه هاي شيطاني "سفاتخانه" هاي ايران و همچنين "ساوا ما" تحرك ويژه اي را آغاز کرده اند. در ابتدا سفيران ايران در کشورهای اروپايي "جهت مشورت" به کشورها خوانده شدند تا براي اجرائ اين فرمان چاره بپا نديشند. در همین رابطه "شوراي امنيت کشور" به رياست محتشمي و بل حضور فرماندهان نيروهاي انتظامي و مسئولان اطلاعاتي و امنيتي کشور تشکیل جلسه دادند تا در رابطه با اجرائ حکم حضرت امام "بررسی و تصميما ت لازم اتخاذ نمايند. (کيهان ۱۹ اسفند ۶۷). آنان در اين جلسه به اين نتيجه رسيدند که غرب "با تمام توان و وسيلتم اطلاعاتي خود سمي دارند که با اين حکم قاطع اسلام مقابله نمايد" و آنان در مقابل آن بايد کارآشي لازم را نشان دهند.

نتيجه اين بحثها و ابنگاه تصميما ت اتخاذ شده، هرچند اعلام نمي گردد دولتي ديگر چيزي نيست که بتوان از ديدها پنهان داشت. تدارک جوخه هاي مرگ که توسط سفارتخانه ها "ساوا ما" و "شوراي امنيت کشور" سازماندهي و براي انجام اجرائ حکم خميني اعزام ميگردند.

از اين روست که غرب با مصلا ح آزاد جنايت آشکار رژيم اسلامي و تنگ شدن حلقه محاصره تروريستي وي برگردمخالفين خميني را نا ديده گرفته و از کنار ترورد و فردا خيره آرامي ميگذرد تا نتايج حاصله از کرشمه هاي عذرخواهي وزراي رنگارنگ در آب کردن سطح بيخ بسته مناسبات با جمهوري اسلامي به خطر نيفتد.

آنچه که مسلم است نيا زيل تروريسم جمهوري اسلامي به اعتبارهاي خارجي براي با زسازي ارکان درهم کوفته شده دستگا ه حکومتش و نيا ز دولتهاي امپريا ليستي بعنوان مرهمي بر زخمهاي بحيران مزمن نظام سرمايه داري به قرار دادهاي ميلياردی است. سکوت وسا زش و با برخاکشمکش هاي محسود و غرب با جمهوري اسلامي در اين چارچوب معني پيدا ميکند و نتيجه تدارک و مبلات مانع جنايات تروريستي رژيم عليه مخالفين خواهد بود!

متاسفانه اپوزيسيون شرقی خواه و انقلابی رژيم اسلامي در اروپا در ماجرائ سلمان رشدی و تهيج افکار عمومي مردم غرب - که ميتوانند تا حدی سکوت وسا زش اين دولتها را با جمهوري اسلامي مشروط کنند - و بوجود آمدن شرايط بسيار مناسب براي مقابله و افشاي نقشه هاي تروريستي رژيم نتوانست عکس العمل نجا و کافي از خود نشان دهد و با بسي تفاوتي نسبي و سهل انگاري از کنار آن گذشت سکوت اپوزيسيون انقلابي و مترقي در مقابل فتواي قتل رشدی که وجود ان همه مردم را آزرده کرده بود و بي تفاوتي کامل در مقابل تروراخيبري شک جمهوري اسلامي را در انجا منجنايتهاي بعدی جري تر خواهد کرد و در اين مسير بيش از همه و قبل از همه نيروهاي انقلابي، مخالفين جدی رژيم، در معرض ترورقرا ر گرفته و قرباني خواهند شد.

تحرك و عکس العمل به موقع و ضروري نيروهاي انقلابي و ايرانيان مترقي و آگاه در مقابل تروريسم جمهوري اسلامي - در شرايط سکوت دولتها - ضروري است غير قابل انکار.

روابط بین‌المللی ما:

سیاست ما در رابطه با احزاب کمونیست و چپ

ما در مقاله "پیرامون فعالیت بین‌المللی ما" که در شماره ۳۲ این نشریه درج شد در رابطه با خطوط عمومی سیاست ما زمان درقبال مسئله‌ها زماندهی بازوی بین‌المللی انقلاب ایران، یعنی جنبش همبستگی با مبارزات انقلابی مردم ما توضیحاتی دادیم. این توضیحات اساسا بناظر بر تشریح جایگاه وظایف بین‌المللی هر حزب کمونیست بطور اعم و جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما بطور اخص بوده و با عزیمت از این بستر عمومی بود که نحسوه سازمان دادن همبستگی با نیروهای انقلابی و دمکرات جهان و جلب حمایت و همدلی این نیروها نسبت به انقلاب ایران در خطوط کلی مورد بحث قرار گرفته است. در مقاله این شماره به پاره‌ای از مشکلات عملی همکاری و ارتباط با احزاب کمونیست کارگری و چپ می‌پردازیم.

احزاب کمونیست، کارگری و چپ دنیا در برگیرنده گرایش‌ها و سمتگیری‌های مختلف و متعدد سیاسی - ایدئولوژیک می‌باشند. سازمان ما نیز به عنوان حامل یکی از گرایش‌ها در این جنبش عظیم نمی‌تواند دنیا دیدن توجه به تنوع گرایش‌ها و دوری و نزدیکی قابل ملاحظه ما با این یا آن گرایش برخوردار شده و یکنواختی با آنها داشته باشد. ما با بسیاری از احزاب کمونیست و چپ اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک داریم و با پاره‌ای دیگر نزدیک‌تر هستیم احساس می‌کنیم. اما صرف نظر از درجه دوری و نزدیکی ما با این احزاب و علیرغم همه اختلافات، جنبش کارگری و کمونیستی ایران به همبستگی آنها - ولونا چیز محدود - شدت نیاز دارد. درک این حقیقت که حمایت بین‌المللی کارگران کمونیست‌های کشورهای دیگر - ولو کارگرانی که تحت نفوذ سوسیال دمکراسی قرار دارند و کمونیست‌ها می‌کنند - کارگرانی که گرایش‌ها آنها گوناگون هستند. از کارگران و کمونیست‌های ایران و از جنبش دمکراتیک مردم ایران تا چه حد به فراهم شدن شرایط بهتر برای مبارزه در ایران - امروز و در آینده - و برای پیش روی این مبارزه، کمک می‌کند احتیاج به تعمق زیادی ندارد. کارگران ایران تحت هیچ شرایطی از ابراهیم همبستگی برادران خود در کشورهای دیگر و از کم‌کم‌های ما دی و معنوی کنه بی‌نیاز نیستند. این نیاز البته مطلقا به معنی وحدت همه‌جانبه و غیرمشروط با جنبش کارگری در سایر کشورهای نیست، بلکه تنها ضرورتی ناشی از وحدت عمومی در پیکار جهانی و فرخنده بر علیه سرمایه بین‌المللی است. بنا بر این وقتی از ضرورت همبستگی متقابل سخن می‌گوئیم، یک سو با گرایش‌های کوتاه فکرانه کمونیسم ملی‌مرزبندی می‌کنیم که وحدت عمومی کارگران و کمونیست‌های جهان را انکار می‌کند و به زماندهی همبستگی متقابل بی‌اعتقاد است و از سوی دیگر گرایشی که همبستگی بدون توجه به اختلاف و بسودن داشتن انتقال در شوریه می‌کند، وحدت ما ناشی از

ضرورت عینی قرار داشتن در یک سنگر عمومی در کنار همه کارگران و کمونیست‌های جهان و اختلاف ما ناشی از وجود انحرافات و گرایش‌ها مختلف و حتی متضاد در درون همین سنگر است.

گرایش کمونیسم ملی از آن روست که ضرورت همبستگی بین‌المللی بی‌اعتقاد است و یا این همبستگی را تنها بصورت مشروط و محدود و فقط بسا همکاران خود در سایر کشورهای مجازی می‌داند، که از یک سو تصور می‌کند که گرایش اصولی در جنبش کارگری و کمونیستی الزاما با گرایش‌ها دیگر همین جنبش در سایر کشورهای دارای هیچگونه وحدتی نیست و از این رو در عمل همه این گرایش‌ها را در مقابل خود می‌داند و از سوی دیگر به شیوه‌ای قیم‌آبانه حقانیت خود را مطلق پنداشته و با مصلحت خود را در مرکز یک انترناسیونال جدید غیر رسمی قرار میدهد. این گرایش درک نمی‌کند که کارگران و کمونیست‌های میهن ما به همبستگی و حمایت همه گرایش‌ها درون جنبش کارگری جهان و به معنای وسیع تری تمام می‌بشریت ترقیخواه نیاز دارند. روشن است که این معنی کم‌رنگ کردن اتحاد استراتژیک و همبستگی با احزاب کمونیست و گرایش‌ها انقلابی درون جنبش کارگری که اساسی ترین وجه همبستگی است نیست. همان‌طور که ضرورت این حمایت و کارآیی آن در مورد تمام انقلابات و جنبش‌های بزرگ چند دهه گذشته - جنگ ویتنام، انقلاب فلسطین، نیکاراگوئه، آفریقای جنوبی و... - به ثبوت رسیده است. نیاز به این همبستگی همان‌طور که گفتیم ناشی از ضرورت عینی و بین‌المللی است و مطلقا به معنای وحدت همه‌جانبه با جنبش کارگری و کمونیستی در سایر کشورهای نیست. گرچه طبیعی است که به همان نسبت که این وحدت کامل تر باشد، همبستگی نیز فشرده تر و همکاری‌های عملی بصورت مشخص تر ممکن می‌شود.

برای این زمینه عمومی است که ما در رابطه با احزاب کمونیست و چپ، اتخاذ موضع می‌کنیم. پاره‌ای از این احزاب در قدرت هستند و بعضا برقراری رابطه با آنها مستلزم توجه به برخی نکات است. مساحت هیچ شرایطی نباید از حق انتقال در نظر مستقل خود درقبال احزاب کمونیست در قدرت بگذریم. مبارزه ایدئولوژیک جزئی طبیعی و صرف نظر نکردنی از رابطه با کلیه احزاب است. این مبارزه ضرور ایدئولوژیک از جانب ما به هیچ وجه بمعنای صرف نظر کردن از ضرورت همبستگی با این احزاب نیست. همبستگی و انتقال در فرمول عمومی ما و فرمول مورد پذیرش ما درقبال رابطه بین احزاب کمونیست و چپ می‌باشد.

مقصود ما از همبستگی چیست و چه تفاوتی با همبستگی لفظی و بعضا غیر جدی رایج در میان احزاب رسمی دارد؟ آنچه که بطور رایج در رابطه بین احزاب کمونیست رسمی همبستگی نامیده می‌شود، مبنای اعلام وحدت عمومی و بدون انتقال است. این وحدت در

رابطه بین احزاب در قدرت و پاره‌ای از احزاب دیگر در عین حال بمعنی فرمانبرداری و ملاحظه‌کاری در رابطه با ما بین، تعریف و تمجیدهای بعضا میان تهنی و سازش با انحرافات یکدیگر می‌باشد. ما با این نوع همبستگی "مرزبندی روشن داریم. انکسای ما در مبارزه با سرمایه کارگران و زحمتکشان ایران است و این نقطه انکسای یعنی وفاداری به منافع آنها و مبارزه همه جانبه برای برانداختن بورژوازی خودی است که ما را از بسیاری از احزاب کمونیست رسمی متمایز می‌کند. این احزاب به دلیل عدم انکسای به طبقه کارگر کشورهای خود که ناشی از خط مشی غالباً فرمبستی آنها است، نهایتا ابراهیم همبستگی خود را فرمانبرداری از احزاب کمونیست حاکم و خاصه حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌دانند و به ندرت مخصوصا درقبال مسائل کشورهای خود متاخذ مواضع مستقل را دارند. این احزاب بعضا در هیئت احزابی از نوع حزب توده بعنوان سخنگوی دیپلماتی کشورهای سوسیالیستی و مدافع همه اقدامات و سیاست‌های این کشورها بویژه شوروی حاضرند که به هر ذلت و خواری تن دهند تا منافع بازرگانی و دیپلماتیک شوروی درقبال کشور خود تا مین شود. در این مورد است که بطور برجسته‌ای سیاست بین‌المللی ما از سیاست این احزاب متمایز می‌شود. همبستگی ما با احزاب کمونیست حاکم اسل تا جایی است که سیاست‌های این احزاب در تحکیم پیکار جهانی برای برانداختن سرمایه داری بین‌المللی است و هرگاه این سیاست‌ها مناسقع این پیکار عمومی در تقابل با ریکرد و ابراهیم همبستگی سربخ با جنبش کارگری، کمونیستی و دمکراتیک در کشورهای مختلف خود را می‌کند، ما نسبت به آنها موضع انتقال دومیارزه اتخاذ می‌کنیم. همین متسد عمومی را ما در مورد کلیه احزاب کمونیست دیگر و نیز ما پاره‌ای از احزاب و سازمان‌های چپ بکار می‌بندیم. در عین اینکه برای ارزیابی از سیاست این احزاب در موارد بسیاری می‌بایست ابتدا به بررسی همه جانبه فعالیت آنها و نقد این فعالیتها بر بیست براتیک عمومی جنبش کمونیستی جهان می‌پردازیم. بنا بر این رفقای ما در کشورهای مختلف می‌باید ضمن اقدام به بررسی پراتیک و سیاست‌های احزاب کمونیست و چپ و یاری دادن به ارگان‌های مرکزی سازمان در تدوین موضع دقیق درقبال این احزاب، بر اساس اصول عمومی که تشریح کردیم اقدام به همکاری‌های مبارزاتی و مبارزاتی می‌بازمانند. همکاران ما در سازمان‌های جنبی و اصلی احزاب منجر می‌شود. جزء مهمی از رابطه ما با احزاب کمونیست و چپ نباید دیدگاهها و مبارزه ایدئولوژیک است که خود شکل ویژه‌ای از

محل سکونت، این بیماری مزمن که بهسولت قابل علاج نیست از یکطرف ناشی از یک گرایش ایدئولوژیک کمونیسم ملی است که در عمل به همبستگی بین المللی اعتقاد راسخی ندارد و از سوی دیگر در وجه خاصی بیا نگرینی مقامت فرهنگی در مقابل تمدن و فرهنگ خلقهای دیگر است. با سخ ما به این مشکل نسبتاً ساده است؛ ما زمانه ندادن رفقا در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و دمکراتیک مربوط به کشور — میزبان! اصل راهنمای ما در این سالها ندهی، انطباق دادن هویت اجتماعی رفقا با جایگاه ما — رزائی آنها در کشور میزبان می باشد. رفقای شایسته دانشجویان، زنان، جوانان و غیره هر کدما می باید در مبارزات مربوط به این گروههای اجتماعی و در سالهای مربوط به آنها فعال شوند، تعیین — دقیق اولویتها با توجه به امکانات مشکلی است که موجب میشود ما نتوانیم در همه موارد به سهولت عمل کنیم. به زبان دیگر اختیاص نیرو برای فعالیت — های سیاسی و اجتماعی در کشورهای میزبان باید بر مبنای یک ارزیابی دقیق و حساب شده صورت بگیرد، ملاک عمومی ما در این موارد این است؛ ما زمانه ندهی رفقا به نحوی و در تشکلهائی که به لحاظ مبارزاتی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. معیار این — اهمیت همانا جنبه توده ای و وزن سیاسی مبارزات می باشند. بنا بر این در شوش کلی با بد شرکت در جنبشهای نظیر جنبش طح، همبستگی با انقلابیست و خلقها (نیکارا گوشه، آفریقای جنوبی، فلسطین و ...). جنبش زنان، جنبش محیط زیست، جنبش جوانان و از همه مهمتر جنبش کارگری، مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه با هم خواهیم نوشت.

این ارتباطات تلقی بیغنا نا درست احزاب سازمان — های دیگر از جایگاه روابط بین المللی می باشد، از میان احزاب کمونیست پارهای با تنگ نظری با رزی در قبالت جریانات دیگر اتخاذ موضع میکنند. در مواردی برای این جریانات پذیرش اصل انتقاد علنی دشوار است و گاه آشکارا پذیرش این با آن نظر شرط توسعه رابطه قرار داده می شود. با سخ ما در قبالت این نوع معضلات پیگیری در مواضع خود ادا — تلاش برای برقراری رابطه است. این تلاش ا ماصرفا به شیوه تکرار ردایمکپ روش برخورد نمی تواند صورت بگیرد. بلکه تنوع روشها با بد ما هرا نه بکار گرفته شود. این روشهای متنوع عبارتند از گسترش روابط در پارتین با بدنه احزاب، شرکت فعال در مبارزات جاری در کشورهای تلاش سیستماتیک برای معرفی پارتیک و نظرات ما زمانه در حدهر چه وسیع — واقعیت این است که متاسفانه جنبش کمونیستی و کارگری ایران غالباً با احزاب طیف توده ای و گروه بندی های خلق گرا و ما شویست مشخص شده و این با و ر نا درست تنها با گسترش فعالیت بین — المللی ما در همه عرصه ها می تواند شکسته شود. پس علاوه بر کسب آما دگی سیاسی، ما باید به مساوات آن به برنا مهریزی عملی برای برقراری رابطه در سطوح مختلف و گسترش فعالیت های بین المللی خود بپردازیم. این اقدامات اگر در موارد معینی منجر به شکل گیری رابطه شوند، در موارد دیگر قطعاً به ارتقاء کیفیت روابط ما یاری می رسانند. در این زمینه است که مشکل دیگری برجسته میشود آن عبارت است از غلبه عملی بر پارتیها و تنگ نظری توده ای گرا، کونه بینیهای فرقه ای و مقامت در برابر برداخت است در جنبش انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه در کشورهای

اعلام همبستگی ما می باشد. در این زمینه باید در شرایطی که جنبش جهانی کمونیستی مشغول ارزیابی عمومی از گذشته خود است، توجهی ویژه نشان داده شود. برقراری رابطه با احزاب کمونیست و چپ دنیا در کشورهای مختلف با مشکلات خود ویژه ای همراه هستند. اگر مشکلات ناشی از عدم صراحت در جایگاه این رابطه — که در سطوح فوق در باره آن نوشتیم — صرف نظر کنیم، مینا را این قرار دهیم که — برای فعالین ما زمانه در مورد ضرورت و چگونگی رابطه با سایر جریانات کمونیست و چپ در دنیا و مبانسی این رابطه و سیاست عمومی ما در این مورد، با همات اساسی وجود ندارد. آنگاه باید به مشکلات عملی و اجرایی کار پرداخت. این مشکلات کدما مند؟ اول از همه باید آما دگی سیاسی و فنی نا کافی رفقا یا دکر که به بهترین وجهی خود را در عدم اختصاص نیروی کارآمد، استفاده نا کافی از ادبیات ما زمانه به زبانهای بین المللی و فقدان کار با برنا مه نشان میدهند. بر این سه ضعف عمومی میتوان ضعف های دیگری را نیز اضافه نمود. ما در حال این وجهات مشکلات تنها با ایجاد تمرکز لازم روی این هدف مهم برنا مه فعالیت ما در خارج از کشور، قابل حل است. حلقه اصلی حل این مشکلات همانا اختصاص دادن کار در مناسب است که می باید خود برای غلبه بر ضعفهای سیاسی و فنی دیگر به طرح راه — بپردازد. با برگردان رفقای مناسب برای ارتباط با احزاب کمونیست و فرا هم نمودن امکانات سیاسی و فنی لازم برای چنین ارتباطاتی ما تنها کارهای اول را برداشته ایم زیرا مشکل مهم دیگر

استقرار خارجی، از سیاست تا اجرا!

این موضوع از نهایت درجه اهمیت برخوردار است، همانا تنوع و کیفیت این روابط و شرایط اقتصادی و سیاسی ناظر بر این روابط است. و البته رژیم جمهوری اسلامی نیز در کتمان کردن مسئله روابط با اقتصاد دی خود با جهان غرب، در واقعیت امر، در راستای کتمان کردن "کیفیت و شرایط" این روابط می کوشد.

چنانکه در بخش قبل این مقاله خاطر نشان گردید، جمهوری اسلامی استفاده از شیوه های پوشیده اخذ اموال دیر زمانی است که آغاز کرده است. از آن جمله است استفاده وسیع از پدیده یوزانس، اینک رژیم در تلاش است تا با طرح بحث ضرورت و لزوم استقرار خارجی از طریق مطبوعات و دیگر روشها ارتباط جمعی، زمینه اخذ اموال را نیز فراهم سازد. در این ارتباط بود که چندی پیش میزگردی تحت عنوان "ضرورت استقرار و راههای استفاده از منابع خارجی" با شرکت جمعی از دست اندرکاران رژیم در دانشگاه تهران برگزار گردید.

الویری رئیس کمیسیون برنا مه بودجه مجلس شورای اسلامی که یکی از شرکت کنندگان این میزگرد بود، در این اجلاس فاش ساخت که موضوع

جمله بودا جلاس اتاق صنایع و معادن که برای نخستین بار عمق ورشکستگی اقتصادی رژیم را زبده سا نور حکومتی بیرون نهاد و از آن جمله است افشاگری اخیر روزنامه رسالت در باره بودجه سال ۶۸ کل کشور.

استقرار خارجی، کماکان از جمله مسائل محرمانه تلقی میشوند. اما مشکل اینجاست که استقرار خارجی، دو سود دارد: اول، مگیرنده و وام دهنده. انحصارات فراملیتی و کشورهای مبریا لیستی البته زهان قوانین جمهوری اسلامی پیروی نمیکنند و اینگونه اخبار را چندا ن محرمانه تلقی نمی نمایند. از این رو اخبار دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی میکوشند تا با طرح بحث "استقرار خارجی، با پیش کشیدن ضرورت آن، قبح قضیه را کم رنگ کنند و مت حزب الله را برای پذیرش واقعیات تلخ" ماهها زنده، روابط اقتصادی با کشورهای مختلف جهان و از آن جمله، مسئله اخذ وام، در سیستم ارزش گذاری اقدامات اقتصادی، نقش چندانی تعیین کننده ای ایفا نمی کنند. در جهان امروز نفی این روابط نه ممکن است و نه اصولی. آنچه در

سیاستهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی در واقعیت امر پدیده دارند چهره علنی و چهره پنهان، چهره علنی و آشکارا و چهره ای است که رژیم را با ثباتی از افشای آن نیست و این همان سیاستهای رسمی اقتصادی است که در سالهای گروهی رژیم، با زتاب می یابند. چهره پنهان سیاستهای اقتصادی کشور، آن سوی دیگر است که رژیم، چون اسراری محرمانه در صندوقهای امن، به اسارت کشیده است و می کوشد تا از چشمان توده ها پنهان بماند. بدین ترتیب سا سور به حیظه اقتصاد دینیز کشیده شده است و رژیم اخبار اقتصادی را نیز با وسوس تمام از فیلتر اخبار رحلال و حرام می گذراند. "اخبار مشروع" از رساله های فریاد می شوند "اخبار نامشروع" اگر از گزنده حریفان در جنگ قدرت را س هرم حکومتی در امان مانده اند گفته و نا مکشوف باقی می مانند. اما چه میتوانند بکنند که زمانه خود افشاگری ستورگ است. زمانی بحران اقتصادی کشور و موضوع ورشکستگی اقتصادی، از جمله اسرار محرمانه تلقی میشوند، اما هم زمانه و هم دستهای اندرکار حریفان و مداخله های غیبی، این اسرار را فاش ساختند؛ از آن

مسئولین کمیته سوخت اصفهان هم دزدان آب درآمدند

روزی نیست که روزنامه‌های وابسته به رژیم را با زکنتی و حداقل چندخبر در رابطه با دزدی و اختلاس نبینی. اما بعد از این عمل گاه‌گاه آنقدر گسترده است که نه یک فرد بلکه سازمان و تشکیلاتی را شامل می‌گردد. برای نمونه به "کمیته سوخت" اصفهان توجه کنید. این کمیته مسئول سوخت رسانی به ناحیه استان اصفهان را بعهده دارد. بنابراین گزارش مطبوعات، مسئول و معاون این کمیته به همراه ۱۲ تن از دیگر مسئولین این "نهاده انقلابی" تشکیلاتی را پاپا به میریزند که تنها طی سال جاری یک میلیون لیتر نفت راکه می‌بایست بین مردم توزیع نمایند، بالاکشیده‌اند. این گروه همچنین متهم به اختلاس ۴ میلیون لیتر کوپن نفت سفید و بنزین می‌باشند.

فلاکت رژیم زد ریچه آمار

— سطح تولیدات صنعتی ایران طی ۱۰ سال گذشته ۶۶ درصد کاهش داشته است (ماهنامه آمار اقتصاد) — از میزان ۱۴۵ میلیارد دلار در آذرماه ۱۳۳۶ فقط ۱۳/۵ میلیارد دلار (حدود ۹٪) صرف سرمایه‌گذاری شده است (عابدینی نماینده مجلس) — در سال جاری کارخانه‌های داروئی ایران ۲۰ درصد کاهش تولید داشته‌اند و ۹۰ درصد صنعت داروئی ایران وابسته به خارج است. (تیک نژاد معاون داروئی وزارت بهداشت) — طی ده سال گذشته تولید کارخانه تراکتورسازی تبریز از ۸۰ دستگاه تولید روزانه تراکتور به میزان ۲۰ دستگاه رسیده است. (ماهنامه آمار اقتصاد)

— طی شش ساله اخیر حقوق بگیران در رژیم خمینی ۳۰٪ بیش از قبلاً به نسبت حقوق ثابت خویش مالیات می‌پردازند. (کیهان هوشی ۱۷ اسفند ۶۷) — ۵۴/۶ درصد کل خانواده‌های اجاره‌نشین در شهر تهران در سال ۱۳۴۶، زیربنا ۵۰ متر مربع و کمتر و ۲۷/۲ درصد زیربنا ۵۱ تا ۱۰۰ متر مربع در اختیار دارند. ۳/۱ درصد این خانواده‌ها از یک اتاق ۱۱/۲ درصد از ۲ تا ۳، ۱۸/۲ درصد از ۳ تا ۴، ۲۹/۵ درصد از ۴ تا ۵ و بقیه از ۵ تا ۶ و بیشتر استفاده می‌کند. (نشریه تازه‌های آمار)

۷۰ درصد جمعیت ایران زیر فقر

سرانجام "دولت خدمتگزار" نیز به این نتیجه رسید که رژیم فقها جز فقر، بدبختی، فلاکت، بیکاری و... هیچ چیز دیگری بمردم نداده است و "نخست وزیر خدمتگزار" را "علام نموده‌اند" که به معنی دست معبود شروتمندانی است که هر روز شروتمندتر میشوند. موسوی، نخست وزیر رژیم در ماه‌های قبل که با ۲۷ اسفند همچنین اعتراف کرد که "در سال ۶۷ ۱۰ درصد از قشور فقیر کشور (حدود ۵ میلیون نفر) مصرف سرانه‌ای روزانه بطور متوسط ۶۰۰ ریال دارند" یعنی تنها پول یک دانه سیب زمینی در روز و در مقابل "حدود ۶۰ هزار خانوار در سطح جامعه وجود دارند که درآمد ماهانه‌شان از ۲۰۰ هزار تومان بالاتر است".

بنا به اعتراف وی "حدود ۱۰ تا ۲۰۰ هزار خانوار بسیار رفیعی در جامعه زندگی میکنند که در مقابل آنها ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت کشور زیر سقف تا میسرها قفل نیاز است".

حال با این تفاسیل باید از آقای نخست وزیر پرسید که وی و دولتش در اصل "خدمتگزار" کدام گروه از مردم طی ده سال انقلاب بوده‌اند.

از صفحه ۵

استقرار اض‌ خارجی...

استفاده از "منابع خارجی" — هم‌سرما به‌گذاری خارجی و هم اعتبار خارجی — از "همان بدو انقلاب وجود داشته است". — کیهان ۳ دیماه ۶۷.

تومان به‌بانک مقروض شده است، چه تضمینی وجود دارد که دولت روی به استقرار خارجی برای تامین هزینه‌های جاری بیاورد و بتواند با توجه به نوسانات بهای نفت اصل و امویا حتی بهره‌آن را پرداخت نماید؟ "کیهان ۳ دیماه ۶۷.

رئیس کمیسیون برنام‌ه‌بودجه مجلس صراحتاً اعلام می‌کند رژیم در تلاش است تا از همه شیوه‌های اخذ وام بهره‌جوید. چنانکه اشاره شد، استفاده از یوزانس، به‌پدیده‌ای مرسوم در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته است، بانک رژیم ز شیوه‌های یک‌شبهه تزویج سرمایه‌های داخلی و خارجی در عرصه تولید و حتی اخذ وام مستقیم و غلنی سخن می‌گوید. رژیم می‌کوشد تا با استفاده از شیوه‌های یک‌ و مشارکت سرمایه‌های خارجی در عرصه اقتصاد، کمتری ارزی و ریالی خود را جبران کرده و از طریق اجاره دادن نیروی کار داخلی و منابع ملی کشورهای نامحارات بین‌المللی بهره‌وری تولید را فزونی بخشد.

نگاهی گذرا به ستون هزینه‌های جاری و عمرانی بودجه کشور به وضوح نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بین هزینه‌های جاری و عمرانی تناسبی ایجاد نکرده است، بلکه بخش هزینه‌های جاری بودجه سالانه رژیم در قیاس با هزینه‌های عمرانی بگونه‌ای دم‌افزون رویه افزایش یافته است. رژیم با برپا کردن بوروکراسی لج‌گسخته، با سازمان دادن دهها گشت پیگرد و سرکوب و نهادهای امنیتی و پلیسی، همه‌ساله بخش اعظم درآمد ملی را به سیستم اداری و اجرائی خود تزریق می‌کند. در مقابل افزایش دائمی ستون هزینه‌ها، ستون درآمدهای ارزی و ریالی رژیم بگونه‌ای مداوم میل به کاهش می‌کند. جدا از هزینه‌های مربوط به بازسازی اقتصاد و عمرانی کشور، که بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است، رژیم حتی در تامین نیازهای جاری خود نیز نتوان است. در چنین شرایطی مسئله اخذ وام غلنی از منابع مالی خارجی، در واقعیت امر تزریق دلار مقدس به بوروکراسی مقدس جمهوری اسلامی است. اخذ وام از خارج برای تامین نیازهای جاری، در واقعیت امر، بدترین نوع اخذ وام است، چرا که این وام‌ها صرفاً مسائل حکومتی شده و خود جزای ایجاد تورم در شبکه اقتصاد داخلی، هیچ تاخیر دیگری در امر تولید و درآمد ندارد. جلب اینجاست که رژیم — این شیوه اخذ وام را در اساس نفی نمی‌کند، بلکه نسبت به توانائی خود در بازپرداخت آن احساس نگرانی می‌نماید؛ لویری در این باب چنین اظهار داشته است: "نگرانی ما اینست که ما نظیر کشورهایی که دولت از بانکی داخلی برای جبران کمتری بودجه ریالی استقرار کرد ولی نتوانست آن را پرداخت کند و در نتیجه طی چند سال دولت میلیاردها

الویری ضمن اشاره به کاهش توان تولیدی کشور نسبت به ظرفیت رسمی تولید و احدهای تولیدی در باب "مزایای شیوه‌های یک می‌گوید: "حال اگر ظرفیت تولیدی این واحدهای تولیدی را با سیستم "بای یک" افزایش دهیم، بهره‌وری بالافزایش و اشتغال بوجود می‌آورد، البته برای سرمایه‌گذار خارجی نیز به علت پائین بودن هزینه تولیدی در ایران، اینکار به صرفه است." (همانجا) و این تنها به این معناست که رژیم برای جلب سرمایه‌های خارجی به شبکه اقتصاد داخلی، چوب‌جراحی به مناسبی ملی و هزینه نیروی کار داخلی زده است و از این طریق از سرمایه‌گذاران خارجی برای استفاده از این خوان نعمت رسماً دعوت می‌کند.

رئیس کمیسیون برنام‌ه‌بودجه مجلس رژیم فقها در میزگرد "ضرورت استقرار و راه‌های استفاده از منابع خارجی" با صراحت تمام اعلام می‌دارد که: "در مورد مشارکت خارجی همانطور که اشاره شد تجارب موفقیت‌آمیز بوده و اگر سوال این باشد که آیا

تظاهرات دانشجویان مائستی

در اهواز

در پی اراشه لایحه جدیدی که طبق آن رشته مائستی یکی از زیرشاخه‌های رشته پرستاری به حساب می‌آید، روز ۱۷ اسفند همزمان با روز جهانی زن (۸ مارس) بیش از ۲۰۰ تن از دانشجویان رشته مائستی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، در اعتراض به این لایحه، با اجتماع در محوطه دانشگاه علوم پزشکی مخالفت خویش را با آن اعلام داشتند. تظاهرات کنندگان در پایان، خواسته‌های خویش را طی نامه‌ای برای مسئولین رژیم ارسال داشتند.



بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس - تظاهرات ۴۰۰۰ نفره زنانه

در این روز ۲۰۰۰ نفر از زنان کشورها و ملیت‌های مختلف در یک تظاهرات با شکوه گرد آمدند و بیانه‌های مختلف در افشای چهره جوانی سرما به‌داری و مناسبات پدرسالارانه و تبعیض علیه زنان را خواندند. زنان ایرانی در این تظاهرات تحت نام کمیته برگزاری ۸ مارس برای زنان ایرانی با پلاکارت مستقل خود که روی آن شعار اساسی "انقلاب بدون رها شدن زنان و رها شدن بدون انقلاب ممکن نیست!" نقش بسته بود، حرکت کردند و بیانه‌های در حمایت از زنان را پخش کردند. مقابل یکی از خوابگاه‌های پناهنده‌های در برلین خواندند. در این تظاهرات بیانه‌ها نیز در حمایت از زنان فلسطین و نقش آنان در جنبش مقاومت در سرزمینهای اشغالی و اعتماد غذایی زنانه در آسیای آلمانی در زندانهای آلمان قرائت گردید.

۱۱ مارس - جشن بین المللی زنان:

این جشن که به منظور آشنایی فرهنگ، هنر و فیلکلو ر کشورها و ملیت‌های گوناگون برگزار شده بود با شرکت حدود ۴۰۰ نفر از زنان آلمان و در آن از جمله زنان ترک، ایرانی، شیلیایی و آلمانی هنرنمایی کردند. در این روز بویژه از جنبش مقاومت خلق کرد و نقش ویژه زنان در آن صحبت شد.

۱۲ مارس - جشن ویژه زنان ایرانی:

کمیته ایرانی برگزاری ۸ مارس ۱۲ مارس را در میان سلسله برنامه‌های روز جهانی زن برای زنان ایرانی و بزبان فارسی تدارک دید. در این روز جمعی از زنان ایرانی به فراخوان کمیته مزبور جواب داده و در جشن گرد هم آمدند. شرکت نمودند. برنا مه‌شامل خواندن پیاپی موزیک و موسیقی ملتهای ایران بود. در پایان برنا مه جزوه‌ای حاوی گزارش از ۸ مارس ۱۳۵۷ سال انقلاب بهمین در ایران و وقایع بعد از آن که از جانب کمیته نام برده منتشر شده بود به زنان شرکت کننده اهداء گردید.

لازم به تذکر است که روز ۱۹ فوریه در جریان کار تدارکاتی برای بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زنان و آماده ساختن فضای مناسب برای درک عمیق تر آنچه که بر زنان ایرانی و بویژه زنان مبارزان کمونیست تحت حاکمیت رژیم ارتجاعی - مذهبی ایران میگذرد، بنا به خواست پلنوم بین المللی زنان رفیق ما از طرف سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سخنرانی ۴ ساعته‌ای را برای زنان شرکت کننده در پلنوم پیرامون گزارش و تحلیل از انقلاب بهمین، نیروهای سیاسی - طبقاتی شرکت کننده در آن بویژه وضعیت طبقه کارگران و زنان کارگران و سازمان ما ترتیب داده و مورد استقبال و بیسزه قرائت گرفته، درخواست شد که این تبادل نظر بعد از ۸ مارس نیز تداوم یابد.



سوئد - استکهلم

روز ۸ مارس، سالروز جهانی همبستگی مبارزاتی زنان، با اجتماع ۵۰۰ نفر از زنان ملیت‌های مختلف در میدان مرکزی استکهلم، گرامی داشته شد. در این اجتماع واحد استکهلم سازمان تبلیغی و یک نماینده عکس و طرح پیرامون زندگی زنان ایرانی برپا کرده، بولتنی را بزبان سوئدی در افشای چهره کریمه ارتجاع مذهبی حاکم در ایران، و مقاله "کودکان در اوین" ز نشریه پیام کارگر را بشکل گسترده‌ای در میان زنان شرکت کننده از ملیتهای مختلف توزیع کرد. در این مراسم زنان پیشروا ملیت‌های گوناگون طی سخنرانی‌های بسیار به تشریح جنبش زنان در کشورهای خود و نظرات ارتجاعی حاکم بر زنان و مردم خود پرداختند. یکی از رفقای سازمان ما نیز ابتدا از جانب سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۸ مارس روز همبستگی جهانی زنان را به حاضرین در اجتماع تشریح گفته و بصورت کوتاه به تشریح چگونگی لگد مال شدن حقوق مدنی زنان از جانب رژیم قرون وسطایی و مذهبی جمهوری اسلامی پرداخته و خطر روز افزون اعدام دسته جمعی زنان زندانی سیاسی در ایران را یادآوری نمود، خواهان حمایت بین المللی زنان از همسویان خود در ایران گردید. سوئد - کارلسکوگا:

برگزاری مراسم ویژه روز جهانی زنان از سوی زنان ایرانی مقیم کارلسکوگا چهره دیگری به فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی ایرانیان در این شهر بخشید. "زنان آشفشا ز پیرای جمهوری اسلامی" عنوان بیانه‌ای بود که با تشریح اختناق و سرکوب مضامین و زندانی و اعدام زنان در دوروزیم شاه و خمینی از جانب زنان ایرانی در روزنامه‌های ایالات و برلین و نکارسیافت. این مراسم همچنین شامل یک نمایشگاه عکس و طرح و نمایش فیلم ویدئو و موسیقی از وضعیت زنان در ایران، موسیقی و اجرای چند ترانه ایرانی بود که بسپار مورد توجه حاضرین قرار گرفت. به اعتراف روزنامه‌های آن ایالات برگزاری این مراسم، ضمن تاکید بر همبستگی جهانی زنان عمدتاً در جهت افشای فشار و اختناق حاکم بر زنان ایران در حکومت جمهوری ارتجاعی - مذهبی اسلامی پیش رفت.

آلمان فدرال - کلن

بنا به دعوت "انجمن زنان ایرانی - کلن" روز ۸ مارس روز جهانی زن، تعداد کثیری ایرانی در اعتراض به پامال شدن حقوق زنان در ایران، اقدام به یک آکسیون نمودند. در پیشاپیش تظاهرات کنندگان مترسکی از خمینی در حرکت بود که با تصبیحی که در دست داشت بر فرق سرزنانی می کوفت که توسط یک طنان با آنان را به محاصره خویش کشانده بود. واکنش زنان، شعارها و آوازه‌ها مگرانه بود. این آکسیون، در ارتباط با آکسیونهای مشابه

برلین غربی:
"انقلاب بدون رها شدن زنان و رها شدن بدون انقلاب ممکن نیست!"

از دو سال پیش تعدادی از زنان مترسکی و پیشرو کشورها در برلین غربی با تشکیل گروه‌های کارمطلبانی پیرامون بررسی و تحقیق جنبه‌های گوناگون مسائل زنان آغاز به فعالیت کرده و ماهانه جلسه عمومی برگزار میکنند.

این تشکل که تا بحال کارهای پرشماری انجام داده و با تشکلهای بین المللی زنان کشورهای دیگر نیز ارتباط و همکاری دارد، امسال تصمیم گرفت تحت نام "کمیته زنان برای برگزاری ۸ مارس روز جهانی زن" در بزرگداشت و هر چه با شکوه تر و پرشمار کردن این روز تلاش نماید و در این زمینه در فعالیت‌های "پلنوم بین المللی زنان" در برلین شرکت کند. تشکل مزبور تحت نام کمیته برگزاری ۸ مارس با جلب گروهی از زنان پیشرو ایرانی با شرکت در پلنوم بین المللی زنان آکسیون‌های متعددی را در روزهای ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ مارس تدارک دیدند.

۷ مارس - مصاحبه رادیویی:

در این روز ۷ زن از ۶ ملیت مختلف با مصاحبه رادیویی ۲ ساعته که بین ساعت ۱۹ تا ۲۱ شب از رادیو ۱۰۰ برلین پخش شد، انجام دادند. در این مصاحبه زنان ایرانی، ترک کرد، شیلیایی، فلسطینی، لبنانی و آلمانی شرکت داشتند و نسبت به وضعیت زنان در کشور و ملیت خود صحبت کردند. رفیقی که از طرف زنان ایرانی مصاحبه می کرد، غیر از افشای چهره ضد بشری و ضد زن جمهوری اسلامی نسبت به وضعیت زنان پناهنده ایرانی در آلمان، زنان دانشجوی ایرانی و فشارهای روحی و روانی که در تبعید و دور شریک پناهنده‌های ایرانی و آوارگی بر زنان ایران وارد شده و تبعیضات جنسی که بر آنان روا میگردد توضیحاتی داد و مطرح نمود که با ید شریک غیر قابل تحمل و تبعیض جنسی که از جانب جمهوری آنها بر زنان ایرانی اعمال میگردد در پذیرش پناهنده‌های زنان مداخله داده شود. این مصاحبه با استقبال شنوندگان را دیور و پرورش.

در سطح اروپا توسط تشکلهای مستقل زنان سازماندهی شده بود، گرامیداشت اولین ۸ مارس پس از انقلاب در ایران را نیز به همراه داشت. در تظاهرات که بیش از ۱۵ هزار زن در اعتراض به حرفهای خمینی با شعار "در طلوع آزادی، جای آزادی خالی"، "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم"، "آزادی فرهنگ ما است، خانه ما نندنگ ما است"، "روز زن نه غربی، نه شرقی، جهانی است" و... در آن شرکت داشتند. تظاهراتی که سرانجام در جلو کاخ عدا دستری با حمله پاداران و دیگران و با شریک به پایان رسید.

آلمان فدرال - ها نوفر

آلمان فدرال - بن

دفاع از آزادی و محکومیت حکم قتل سلمان رشدی

آکسیون علیه تروریسم

جمهوری اسلامی

در تاریخ ۸۹/۳/۱۱ جمع قابل توجهی از ایرانیان مترقی ها نوفر طی تظاهراتی بدعوت کمیته هماهنگی دفاع از زندانیان سیاسی - ها نوفر به دفاع از آزادی قلم و بیان و محکوم کردن حکم قتل سلمان رشدی از جانب رژیم جمهوری اسلامی و همچنین محکومیت و ابراز ندامت از کشتارهای دستجمعی زندانیان سیاسی در ایران برخاستند و طی شعارها و نعره‌ها در طول تظاهرات، بخش‌های اعلامیه‌های فارسی و آلمانی و تراکت‌های قطعنامه‌های درباریان مراسم، مطالبات خود را بگوشا آهالی ها نوفر رساندند. محورهای این خواستها بشرح زیرند:

- ما صدور حکم قتل سلمان رشدی را که در حقیقت نقض آزادی قلم و بیان است محکوم می‌کنیم.

- ما از دولت و مقامات مسئول آلمان می‌خواهیم که از حمایت مادی و معنوی رژیم جمهوری اسلامی خودداری کرده و تمامی روابط و حمایت‌های اقتصادی خود را با آن قطع کند.

دولت ایران را مصرا نه بگیرد.

- ما از مجامع حقوقی و دولت آلمان می‌خواهیم که شرط هرنوع رابطه با ایران را از بین بردن شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی قرار داده و دولت ایران را وادار به پذیرش هیئتی بیطرف متشکل از وکلاء مترقی و حقوقدانان ذیصلاح و شخصیت‌های آگاه و مترقی جهت بازپرسی از زندانیان و ملاقات با خانواده‌های آنان و نظارت بر آزادی کلیه زندانیان سیاسی بنمایند.

- ما از دولت آلمان خواستاریم که از تضییقات نسبت به آوارگان ایرانی دست بردارد.

- ما هرنوع حمایت از رژیم ایران را بوسیله همه دولت‌های غربی و شرقی محکوم می‌کنیم.

- ما از کلیه خواستهای زندانیان سیاسی آلمان حمایت کرده و با آنان اعلام همبستگی می‌کنیم و خواستار رفع هرگونه تضییقاتی توسط دولت آلمان نسبت به آنان هستیم.

روزشنبه ۸۹/۲/۲۸ عده‌ای از ایرانیان ساکن کلن و بن بدعوت کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران (بن) اقدام به تظاهراتی یک آکسیون در محل مرکزی شهر بن Rother Platz برای محکوم کردن تروریسم جمهوری اسلامی نمودند. شرکت کنندگان پلاکاردهای متعددی با مضمون دفاع از زندانیان سیاسی، دفاع از حقوق زنان، محکوم کردن کشتارهای اخیر زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی و همچنین شعارها و نعره‌ها را در رابطه با دفاع از آزادی بیان و عقیده و همچنین محکوم نمودن تروریسم جمهوری اسلامی در رابطه با نماندن رشدی در دست داشتند. تمامی این شعارها به زبان آلمانی تهیه شده بود اعلامیه‌ای هم به زبان آلمانی از طرف کمیته موقت تهیه و بساط تیراژی پخش شد. این آکسیون مورد توجه مردم قرار گرفت و دو خبرنگار هم از دوروزنا مه محلی برای تهیه عکس و گزارش در مراسم شرکت داشتند این برنامه از ساعت ۱۱ شروع و ساعت ۱/۱۵ دقیقه با یک راهپیمایی کوتاه منظم با حمل پلاکاردها و عبور از مرکز شهر (میدان مونستر) خاتمه پیدا کرد.

این راهپیمایی نیز مورد توجه مردم واقع شد. بخصوص اینکه این راهپیمایی آرا موبدون شعار بود و مردمی ایستادند و شعارها را پلاکاردها را میخواندند. (توضیح اینکه شرکت تعدادی از کلن بدعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی کلن صورت گرفته بود)

سوئد - استکهلم

اعتراض علیه اخراج پناهندگان

۴ مارس میدان مرکزی شهر استکهلم شاهد تظاهراتی بود که توسط کمیته اقدام مشترک تدارک دیده شده بود. این تظاهرات در اعتراض به اخراج بیجا بقیه پناهندگان ایرانی بود که پس از برقراری آتش بس و شنیده شدن بوی کباب با زاری ادعای رژیم ارتجاعی ایران، توسط دولت سوئد برگزار میشد، توانست توجه توده وسیعی از مردم سوئد را جلب نماید. در محل تظاهرات نامه سرگشاده‌ای که خطاب به اداره مهاجرت سوئد توسط تظاهراتی‌ها گمان نوشته شده بود، پخش شده و تراکت گردید. یک خانم عروسی که در محل تظاهرات حضور پیدا کرده بود شعری را در وصف حال زندانیان سیاسی قرائت کرده و همبستگی خود را با پناهندگان ایرانی ابراز نمود. کمیته پناهندگی - گروه کثوری ایران، ضمن پشتیبانی و شرکت در این تظاهرات طی پیامی به تفصیل سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد را افشا کرد. این کمیته در سوئد سراسری بوده و متشکل از سوئدی‌ها و ملیتهای مختلف است.



- ما از دولت آلمان می‌خواهیم که تمامی مراکز و دفاتر وابسته به جمهوری اسلامی در آلمان را تعطیل کرده و جلوی اعمال جنایتکارانه عوامل

تظاهرات در محکومیت رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی در گوتنبرگ

های بالا، خواهان افتاء رژیم جمهوری اسلامی در رسانه‌های جمعی سوئد و همچنین اعلام فتوای قتل سلمان رشدی از جانب خمینی بعنوان یک جنایت تروریستی دولتی رسمی بود، به حرکت خود خاتمه دادند. اخبار این حرکت وسیعاً در رسانه‌های خبری از جمله شبکه سراسری تلویزیون سوئد پخش گردیده و در روزنامه‌ها از جمله روزنامه (ک-ب) در روز یکشنبه ۵ مارس خلاصه‌ای از قطعنامه تظاهرات درج شد.

شنبه چهارم مارس بدعوت کمیته موقت برگزارکننده تظاهرات (کمیته ویژه میزکتساب گوتنبرگ - سوئد) راهپیمایی در خیابانهای مرکزی شهر برگزار گردید. تظاهرات کنندگان ضمن سردادن شعار سرگونی رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی خواهان قطع اعدامها و کشتار دستجمعی و فردی زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط آنان گردیدند. آنها همچنین خواهان قطع پس فرستادن متقاضیان پناهندگی از سوئد و حق پناهندگی برای همه شدند. راهپیمایان با حمایت از قطعنامه ای که غیر از خواست

ا تریش - وین :

نوروز در وین !

سوئد : استکهلم :
"شب همبستگی با زندانیان سیاسی"

بتاریخ ۲۵ فوریه "شب همبستگی با زندانیان سیاسی" با شرکت اسما عیل خوئی (شاعر) و سیروس ملکوتی (آهنگساز و گیتاریست) در استکهلم برگزار شد. این مراسم مورد استقبال حدود ۲۵۰ نفر از ایرانینان مقیم استکهلم واقع گردید. در این مراسم متن اعلامیه "کانون نویسندگان ایران (در تبعید)"، در "همبستگی با سلمان رشدی" نویسنده انگلیسی و در افشای کشتارهای فرهنگی جاری که "ده سال تمام، مردم و در میان آنها، نویسندگان، شاعران هنرمندان و اندیشمندان ایران قربانی آن بوده اند"، قرائت شد.

در این شب اسما عیل خوئی با خواندن شعر "اما مظلوم"، "تکلیف" خود را استدا با "امام امت" روشن کرد. وی سپس عزم او را ده زندانیان سیاسی قتل عام شده را با "آموختن از مرگ" و از طریق "خراش" در وجود، پیاپی داده، فولاد زندگی را در "با زکشت به" بر جوبرتش "یک بار دیگر بر سندان نغمه های فلسفه صمیمانه میدان های "دن کیشوت" آبدیده کرد. سیروس اما سخن خود را با قطعه های "سایه در باره"، "ساناز" و "ماهی سیاه کوچولو" آغاز کرد. او در سیم های گیتارش متاثر از خروش قتل عام شدگان، جان شیفته، خویش را در شب های غربت خواست. گروه های سیاسی از جمله رفقای ما در استکهلم در این مراسم با برگزاری میزبانی شرکت کردند و مقاله "کانون نویسندگان ایران سازماندها مرقاومت" از نشریه راهکار را پخش نمودند.

برلین غربی :

گرد هم آئی برای ابراز

نفرت به فتوای جنا بیستبار خمینی

خانم همانا طق و آقایان حاج سیدجوادی، اسما عیل خوئی و حسن شریعتمداری در تاریخ پنجشنبه ۹ مارس توسط کمیته ایرانینان مدافع آزادی اندیشه در برلین غربی، دعوت شده بودند تا در زمینه فرمان قتل سلمان رشدی توسط خمینی و در دفاع از آزادی قلم، بیان و اندیشه سخنرانی نمایند. جلسه با غیبت خانم همانا طق و حضور سه سخنران دیگریک مباحثه تلویزیونی شروع گردید. در ابتدا سه سخنران در این مباحثه نظرات خود را پیرامون دستور قتل سلمان رشدی توسط خمینی ابراز داشتند و هر سه سخنران این فرمان را فدیشری دانسته و آنرا محکوم نمودند.

در پایان قطعنامه ای که توسط برگزارکنندگان جلسه درش ماه تهیه شده بود، قرائت و مسود تصویب حاضرین در جلسه قرائت گرفت. مضمون قطعنامه مبتنی بر دفاع از آزادی اندیشه و قلم و بیان و محکوم نمودن کشتارهای وسیع زندانیان سیاسی و مدور تروریسم رژیم به خارج از مرزها بود.

رسیدن بهار و سال نور با برنامهای متنوعی از قبیل کرکودکان، موسیقی فولکلوریک، موسیقی و رقص ترکی و کردی، ترانه های انتقادی توسط حاجی فیروز، مقاله و... جشن گرفت. در این جشن بیش از ۲۵۰ نفر از ایرانینان و اتریشی ها شرکت داشتند.



در این مراسم پیاپی میهای تبریک کانون دفاع از پناهندگان نیاسی "ایرانی اتریش و کمیته اقدام علیه دشمنی با خراجیان و... خوانده شد.

نفس با دصبا مشگ فشان خواهد شد
عالم پیردگر باره جوان خواهد شد
ارغوان جام عقیقی بسمن خواهد داد
چشم نرگس بشقایق نگران خواهد شد
...

امسال نیز فرا رسیدن بهار و سال نودرگوشه و کنارجیان منجمله در وین جشن گرفته شد. "نورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران - وین" در تاریخ سوم فروردین ۶۸ - ۴۳ مارس (۸۹) فرا

برگزاری جشن نوروز در برلین غربی

زیبایی و پاک و عشق و زندگی فرا میرسد. سپس بیایید همچون یک جهان، یک ملت و یک خاک نوا ده، گوهریگا نه در مان با شیم و دست در دست یکدیگر پرواز اعتماد را تجربه کنیم، بذر عشق و امید بکاریم و عاشقان سرود زندگی بخوانیم.

و بیایید با امیدها رهائی، به شادی و سرور بپردازیم و سرود مرگ ظالم را سرد کنیم. پس از قرائت پیام، برنامها اجرا دسته - جمعی سرودها را نخواستند دادا مهابت، بدنبال آن برنامه های متنوع دیگری از قبیل: موسیقی، آریتره ای، موسیک افغانی، موسیقی فارسی و آذربایجانی و رقص فولکلوریک کردی ارائه گردید. طی آن علیرغم اینکه مردم زمستان پسر اندوه و ماتمی را پشت سر گذرانده بودند، اما به ماتم و شوگی که خواست دشمن بودن نداد و با رقص و شادی و شور و نشاط به استقبال بهار رشتا رفتند و سنت نوروز را در مقابل فرهنگ جهل و جنایت و عزای جمهوری اسلامی گرامی داشتند.

جشن نوروز در دومین روز سال جدید (۲۲ مارس ۸۹) در برلین با استقبال پناهندگان و ایرانینان مقیم برلین برگزار گردید. این جشن که از جانب کانون پناهندگان سیاسی ایرانینان در برلین غربی تدارک دیده شده بود، با قرائت پیام کانون بسمن سبت آغاز سال نو، شروع گردید. در قسمتی از پیام کانون آمده بود که :

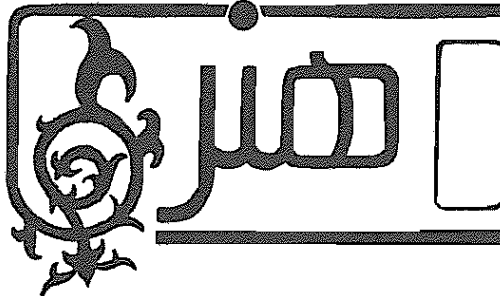
زمستان دیگری بر ما گذشت، برشا را زلال و سکوت و حیرت زده به آتش که سگسالاران خونخوار را کم برنگل سرو فروخته بودند، نگریمیم، بی آنکه لب بگشا نیم. ... و اینک ما پیاپی آمده است تا مرگ زمستان و رویش گلهای عشق را بر بپنداشت کینه ای عمیق مژده دهد. و اینک ما، آری بهار آمده است تا زمزمه کند این حقیقت زیبا را : که خزان و زمستان، که سردی و سیاهی و زشتی، که ظلم و جور و که محنت و مسلال نمی مانند و بی گمان فصل شادی و شور، امید و نور

اشوتگارت : مراسم نوروز

میان پرده های کمدی، برنامها حاجی فیروز و هنرنامه ای کودکان خردسال بود با استقبال هموطنان مقیم اشوتگارت روبرو شده و حدود ۷۰۰ نفر در آن شرکت کردند.

بعد از آن جشن پناهندگان سیاسی اشوتگارت و دو گروه هنری مستقل مراسم سال نودر اشوتگارت برگزار گردید. این مراسم که شامل برنامه های هنری و متنوع، رقصهای محلی (بلوچی، کردی، آذری)،

نقدتئاتر



"تنها ما هیهای مرده در مسیر موج شنا ورنند"

در روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه مارس، نما یشنا مه "تنها ما هیهای مرده... که توسط آقای یعقوب شکوری نوشته و کارگردانی شد، در کلن اجرا گردید. قبیل از برداختن به چگونگی و کیفیت آن ضروری است که به یک نکته اشاره کنم. به دو علت اساسی با پیدایش نشا ترا در مقوله نشا ترتیبیدسته بندی کرد. از یک طرف بواسطه خلعت صرف سیاسی آن و ارتباط مستقیم آن با مسائل روز سیاسی ایرانیا ن خارج از کشور و از طرف دیگر، داشتن تما شاگرانی که در محدوده خاصی می گنجند و انگیزه اصلی شان در تما ثای این با آن نشا تر، عمدتاً سیاسی است. طبیعی است که در جامعه ای با اوضاع "عادی" موضوعات یا انگیزه های سیاسی فقط بخشی از کل جریان نشا تری آن جامعه را تشکیل میدهند.

این نما یش را با پیداد و جنبه مورد بررسی قرار دادیم. مضمون نما یش، ۲- ساختن و بنیانی آن، ابتدا در باره مضمون: مردی که قصد اردنا مه بنویسد در حین نوشتن نامه به گذشته های دور و نزدیک رجعت میکند و خود را در مقابل این سوال عظیم می یابد: فرزند دیروز، پدر فردا و مسرور؟ شخصیت اصلی نما یش که حوادث مهم زندگی اش از ظاهرش میگذرند، امروز در خارج از کشور قرار دارد و در پی جواب به سوال فوق است، فردی است سردرگم و بی هویت: فردی بدنیال هویت گمگشته اش.

ضعف عمده مضمون نما یش (به لحاظ نما یشنا مه فنا سی) در این است که معلوم نیست، شخصیت نما یش بنا به چه علمی در این بی هویتی سردرگمی بسر می برد. (وضعیت نهائی شخصیت اصلی مولود چه هو ملی است؟) آقای شکوری بعنوان نویسنده و کارگردان، هفت واقعه مهم تاریخی (مربوط به ایران) را به معرض نما یش میگذارد (با بازیگری آقای سروری): ۱- شخصیت ما شا تگر و فرصت طلبی سیاسی (بمبنا به مصلب جریان ما شا تگر و... ۲- دیکتاتوروری ۳- جنگ، ۴- کشتار در کردستان، ۵- سرکوب گروه های سیاسی، ۶- مقاومت در زندان و بلاخره ۷- ترک وطن و زندگی در خارج از کشور.

کلیه حوادث فوق به سبک مونتاژ، نما یش داده شدند، درست به ترتیب فوق، ابتدا شمول جریان سیاسی ما شا تگر، نما یش داده میشود و با گفتن "هر کس با ما است، با ما است و بی ما، بر ما" خلعت دستکتا تور ما بنا نه خود را اعلام میکند. همین شخصیت، دیکتاتوروری را تا شید میکند، جنگ را تا شید میکند، در

مقابل کشتار در کردستان مهرسکوت بر لب میزند و سرانجام بین دیکتاتور کوچک، قربانی دیکتاتور بزرگ میگردد. بعد مقاومت در زندان، نما یش داده میشود و بلاخره آخرین قسمت، ترک وطن و زندگی در خارج از کشور.

نقطه ابهام محتوا در این است که معلوم نیست، شخصیت اصلی نما یش در کجا قرار دارد. آیا شخصیت اصلی خود جزئی با همزاد شخصیت ما شا تگر و... "بوده است؟ خیر! چرا که بازیگر در خلال "دیا لوگ" - مونولوگهای خود این مرز بندی را اعلام میکند. (موا فقت شخصیت ما شا تگر "با دیکتاتور می و مخالفت شخصیت اصلی با او). در واقع شخصیت اصلی از ابتدا دارای هویت معینی است و سردرگم و مدو هوش نیست ولی او در آخر نما یش شخصی است با هویت گم شده. این پرسه تحت تا شیر که ما بین وقایع صورت گرفته است؟ این مشکل از اینجا بوجود می آید که تغییر و تحولات (وقایع نما یش داده شده) ارزش گذاری میشوند و تا شیر آنها بر شخصیت نما یش معلوم نیست. تفا وت شخصیت بازیگر از این تا آن واقعه تا ریخی غیر قابل اندازه گیری است. معمولاً با پید اینطور می بود که آخرین شخصیتی که با بازیگر به خود میگیرد و اولین شخصیت او تفا وت داشته باشد، یعنی منحنی تغییرات شخصیت اصلی با پدیسیری منطقی داشته باشد. آخرین شخصیت بازیگر، گه بلحاظ زمانی و مکانی با تما شا گر هیچ تفا وتی ندارد، شخصیتی سرگشته و بی هویت است (از مضمون نما یش چنین بر می آید) که بسیار با شخصیت های قبلی اش متفاوت است. در حقیقت می توان گفت که ضعف اصلی مضمون در عدم ارزش گذاری وقایع مذکور و تا شیر منفی یا مثبت هر کدا مبر شخصیت اصلی قرار دارد. بطوریکه نمی توان گفت کدا موا قعه بیشترین یا کمترین تا شیرا بر شخصیت اصلی داشته است. پرسه شکلگیری شخصیت اصلی در اه ای از ابهاماتی می ماند.

در باره ساختن نما یش بدون در نظر گرفتن مضمون آن:

در این نما یش دو عنصر تا تری مورد استفاده قرار گرفت. یکی عنصر اسطوئی (وحدت زمان، مکان و موضوع) به معنی مطلق کلمه و دیگری عنصر تا تری آسیائی - داستانی (اپیک)، با بازیگری بسیار تما شا گران و ارد صحنه میشود و قصد اردنا مه ای بنویسد، در حین نوشتن نامه به گذشته رجعت میکند،

برداشتن مینک، نورآبی و موسیقی ابزاری هستند که رجعت به گذشته را بیان میکنند و جای همان میان پرده های نوع اخن نشا تراستانی را میگیرند. وحدت زمان، مکان و موضوع به هنگام نوشتن نامه محقق میشود. در اینجا شخصیت ها در نما یش طی حوادث و وقایع شکل نمی گیرند و مانند تا تری آسیائی، بخصوص ژاپنی، شکل گرفته بر صحنه ظاهر میگردند و با نما یش داده میشوند. پس از نما یش هر واقعه (از گذشته) با بازیگر مجدداً به زمان حال (روز اجرا و موضوع نامه) بر میگردد و مستقیماً با تما شا -

گران به گفتگویی نشیند و به نوشتن نامه خود ادامه میدهد. یکی از محسنا ت عمده آن خلاصه کردن زمان با کمترین درداست، مشکلی که نشا تراستانی، با ابزاری از قبیل پلاکاردها، میان پرده ها، کمر و غیره حل کرده است، ولی با این حال در اینجا (در این نما یش) این پرشهای زمانی هر چه ساده تر میگردند. ضعف اساسی نما یش در رشد آهنگ سرعت بازی از گذشته دور به گذشته نزدیک است، یعنی سرعت بتدریج تند نمی شود، میدی که عدم توجه به آن باعث خستگی تما شا گران میشود. قاعدتاً می باید اینطور می بود که سرعت نما یش در اولین رجعت به دورترین گذشته - بسیار کم (که اینطور بود)، در مورد دوم کمی سریعتر و... بلاخره در مورد هفتم - با اوج خود می رسید. به عبارتی منحنی سرعت نما یش با نزدیک شدن به زمان حال بطور منظم رشد میگرد ولی عملاً اینطور نبود. سرعت بازی درش مورد اول (نمایش شخصیت ما شا تگر، دیکتاتوروری و...) تقریباً یک -

شواخت و کند بود، ولی ناگهان بر سرعت بازی - در قسمت نما یش "زندگی در خارج از کشور" - فووق العاده افزوده میشود، بطوریکه با مورد قبلی اش یعنی "نما یش مقاومت" هیچ شناسایی از نظر سرعت بازی ندارد. این عدم رعایت سرعت نما یش از گذشته دور تا گذشته نزدیک نه تنها باعث خستگی تما شا گران و حذف عنصر التذاذی نما یش میشود، بلکه رشته افکار تما شا گران را نیز می گسلد. در واقع شکل حلزونی زمان، تبدیل به دوایر مساموی القطری گردیدند که روی هم قرار گرفته اند و تا گه آن آخرین دایره زمانی کوچک میشود.

یکی از نشانه های نشا ترتیبید عموماً و این نوع کار از نشا تر خصوصاً استفاده از وسایل و تجهیزات کم است، صحنه گرد (دایره سمبل زندگی است)، پرده قرمز و سکوی سیاه، عمده تجهیزات است هستند که مورد استفاده قرار گرفتند و از هر وسیله حد اکثر استفاده بعمل می آید. موفقیت بزرگ کار - گردان در بکارگیری انواع مسکها است که برجستگی خاصی به کل نما یش میدهد. بخصوص در قسمت آخر نما یش که با بازیگر با شل ما سکد بازی میکند، نما یشی ترین بخش نما یش به معرض دید تما شا گر گذاشته میشود. بکارگیری صحیح مسک میتواند بسیاری از مشکلات تا تری را حل کند (بخصوص در مرورایت و گزارش). ما در این نما یش شا هدا یین بکارگیری خلاق از مسک بودیم. آقای

آوای شما

سیمین سیمانی

زر را بشناسید! که در دست شما هست
 ز آهن مهرا سید! که برپای شما نیست
 از خفتد به خارا خبر از درد توان جست
 کانجا اثر از بستر دیبای شما نیست
 ای مدعیان! مضحکه سازید و از این روی
 جز قهقهه کسی داور دعوای شما نیست
 ایمان من سوخته باور، نه شگفت است
 گر شیفته قول فریبای شما نیست
 من سنگ و سخنهای شما میخ پر از زنگ
 حق با دل تنگم که پذیرای شما نیست

تیر ماه ۵۷

آوای شما، حیف که از نای شما نیست
 وز نای شما، گر بود آوای شما نیست!
 این دم که دمیدند و چنین همه به برخواست
 جز دمدمه همه فرمای شما نیست
 بانگی است که سودااش توان کرد به دانگی
 زین بیشترک، ارج به کالای شما نیست
 آن روز که فریاد روا بود، نکردید
 امروز دگر، عربده بایای شما نیست
 خاموش! که جانبازی بگذشته یاران
 اسباب زبانبازی حالای شما نیست
 صد شکر که حق، معنی تلخی است که هرگز
 در بازی منقار شکرخای شما نیست

جدایی اثر هنری از عملکرد اجتماعی - سیاسی خالق آن به ما بقیه همگاری هنری - پلیسی سیاه و کسراتی با رژیم جمهوری اسلامی اثباتی کرد و متذکر شد که ما مبرده شاعر سعید سلطانی و ما بر سر راهی انقلابی را برای جمهوری اسلامی تفسیر کرده است. متأسفانه این حرکت اپورتونیستی حزب توده فضای بحث سالم حول مسائل مطروحه را تا حد زیادی منقوش کرد و بقیه جلسه حول بررسی این رویداد، برگزار شد.

با این وجود در مجموع این جلسه با استقبال خوبی از طرف جامعه مهاجرین وینا هندگان روسو شد، با برگزاری این جلسه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) میروند تا دور جدیدی از گفت و شنود میان نویسندگان و ایرانیاں مهاجران ایجاد کنند. حسن حسام در سخنانش نیاز به یک شکل که قادر به دربرگیری نه تنها نویسندگان بلکه کلیه هنرمندان مترقی و انقلابی باشد اشاره داشت که مجال بحث حول این پیشنهاد پیش نیا مد.

م. شاخک

▶ تنها ما هبیهای مرده ...

سروری نیز توانست از عهده بین کارشاق برآید و به تنها شی قریب یک ساعت و نیم بازی کند. خلاصه با بد گفت که کارگردان با کار خود اعلام کرد که نمیتوان با تجهیزات کم، بازیگری خوب و امکانات ترخوبی ارائه داد.

الف - کیوانی



پدیده های هنری و مناسبات اجتماعی شد. اسامعیل خوشی سخنانش را حول اشعاری که در آن ده شب تاریخی خوانده شده متمرکز کرد.

وی نخست نشان داد که چگونه سعید سلطانی در شب پنجم با قرائت اشعاری که قلب رژیم ستماهی را نشانه میگرفت کیفیتا و به یکباره مضمون شعر - خوانشی شعری پنج شب بعد را تغییر داد و دوشبهای شعر به شبهای اعتراض به سانسور، دیکتاتور و رژیم شاهنشاهی تبدیل کرد. خوشی سپس نظرات خود را در جدا کردن شعر از شخص شاه و از رزیا بی مستقل یک اثر هنری خارج از رزیا بی از عملکرد سیاسی - اجتماعی خالق این اثر بیان کرد و در سخنانش اشاره کرد که سعید در شب پنجم شعر خوانده بود قرائت کرد. این سه بحث که محتوای متفاوتی داشتند و نظرات فردی سخنرانان را بیان میکردند - نتوانست طرف سیاسی برای تبادل نظر جدی حول رابطه هنر مندوجا مع باشد. رویدادی که در پایان سخنرانی اسامعیل خوشی اتفاق افتاد جلسه را از روند طبیعی خود خارج کرد. سیاه و کسراتی با یک برنامهریزی قبلی و با دسته گلی که از قبل تهیه شده بود به پشت تریبون رفته و دسته گل را به

سخنرانان اهدا کرده چند دقیقه ای صحبت کرد. این حرکت که اجرا کنندگان جلسه را کاملاً فلکیر کرده بود با اعتراض جمع کثیری از حضار و خروج تعدادی از آنها و منجمله حسن حسام ز سالن مواجه شده و باعث برخورد های تندبرخی از حضار شد.

بدنبال این حرکت گرداننده جلسه از اینکه به درخواست کسراتی بدون مشورت سخنرانان اجازه داده ز خود انتقاد کرد. سخنرانان به این حرکت حزب توده که به وضوح برای جلب مقبولیت سازمان یافته بود بد شدت اعتراض کردند. اسامعیل خوشی در سخنانش در حین دفاع مجدداً ز نظرش در مورد

بیاد ده شب شعر ۱۳۵۶

گزارش از سخنرانی کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

اولین جلسه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) در لندن با سخنرانی حسن حسام، کامبیز روستا و اسامعیل خوشی در تاریخ ۱۸ فوریه ۸۹ برگزار شد. متأسفانه توطئه ناجوانمردانه و زبیب طرحریزی شده توده های سازمان از این شکر کانون نویسندگان ایران نتوانند آنطور که باید فضای مناسبی برای گفت و شنود دست یابند.

جلسه با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر آغاز شد. ابتدا حسن حسام تا ریخچای از کانون نویسندگان ارائه داده و شکل گیری ده شب شعر ۱۳۵۶ را در بر شورش شهیدستان و نیروهای حاشیه تولید ترسیم کرد. سپس حسن حسام مدبر را راهمیت کانون نویسندگان بعنوان مدل یک شکل دمکراتیک که قادر شده علی-رغم اختلافات ایدئولوژیک اعضا ۱۸ سال به عمر خود ادامه دهد صحبت کرده و راه موفقیت کانون را در سواست به پایبندی دقیق و منضبط به بلا تفرم و اسانامه کانون و پرهیز از گذاشتن فیلترهای ایدئولوژیک دید.

سپس کامبیز روستا رشته سخن را در دست گرفت. روستا در صحبتش تا کید به استقلال فکری شاعر، نویسنده و هنرمندان شده و آزادی بی قید و شرط برای هنرمند و نویسنده دفاع کرد. در دنباله سخنان روستا تذکر داد که شعر و تفکر هنرمندان خارج از حیطه مبارزه طبقاتی، در چارچوب مخیله شاعر و نویسنده شکل میگیرد. بر اساس این درک و تبیین ویژه ای که از آزادی بی قید و شرط میدارد روستا متکرراتی پذیرد. ده شب شعر ۱۳۵۶ از جنبش نیروهای حاشیه تولید بوده و اصولاً متکرر پیوند هر چند بیواسطه میان

السالو دور: ارتش مزدور، نمايش انتخابات را اجرا ميکند!

انتخابات رياست جمهوری السالو دور بر خلاف انتظار نیروهای دمکراتیک در تاریخ قبل تعیین شده (۱۹ مارس ۱۹۸۹) با پیروزی حزب راست افراطی "اتحاد جمهوریخواه ملی" (آرنا) به پایان رسید.

با فشاری جبهه آزادیبخش فابونندوما رتی بر عدم شرکت در انتخابات، علیرغم تصمیم متحد غیر نظامی آن یعنی - جبهه دمکراتیک انقلابی - رهبری گوینر مویونگودا بر سه شرکت در انتخابات منجر به وضعیت ناگوار برای این جبهه شده بود. اما تعرض سیاسی آن، در تاریخ ۲۴ ژانویه سال جاری، ارتجاع - دولت، گروههای راست و ارتش - را به حالت عدم تعادل پریشان کننده ای انداخت. این جبهه در مرکزیک پیشنهادی را به اسقف اعظم سان سالو دور - ریورایه داس - داد که خطاب به رئیس جمهور السالو دورنا پلثون دوارته و تحت عنوان "پیشنهاد جبهه" فابونندوما رتی برای تبدیل انتخابات به اقدامی در راه صلح "تنظیم شده بود، در این پیشنهاد جبهه فابونندوما رتی اعلام می نمود که اگر انتخابات ریاست جمهوری به مدت ۶ ماه به تاخیر افتد و تحت شرایط موزد قبول این جبهه صورت بگیرد، آنگاه نتایج آن نیز مورد قبول وی خواهد بود. تا آن زمان جبهه، ما شورهای انتخاباتی السالو دور را با این عنوان که گوشه ای از نقشه استراتژیک آمریکا برای درهم کوبیدن جنبش و آرایش شبه دموکراتیک اوضاع بوده و به تداوم بحران یاری می رسانند رد کرده بود. اما اکنون این جبهه شروط زیرا را پیشنهاد می نمود: - در روز انتخابات ارتش با بیداری دگانه بماند و از هرگونه اقدام سرکوبگرانه بر علیه جنبش توده ای خودداری کند و سازمان فعلی انتخاباتی هیچ یک از حزب نشود.

- شرکت دادن "ائتلاف دموکراتیک" (CD)، ائتلاف انتخاباتی جبهه دمکراتیک انقلابی و سوسیال دموکراتها، در شورای مرکزی انتخابات و تشکیل یک نهاد کنترل انتخابات با شرکت سازمانهای بشردوست و غیر نظامی که روندهای انتخابات را مورد مراقبت قرار داده و با نظارت بین المللی انتخابات هماهنگی کند.

- تنظیم مقررات انتخاباتی مورد قبول کلیه احزاب و تضمین حق رای برای کلیه کسانی که در خارج از کشور بسر میبرند.

- منع هر نوع حمایت میکا هر یک از احزاب و منع دخالت این کشور در انتخابات.

در آرای پذیرش این شروط، جبهه فابونندوما رتی تضمین میداد که نتایج انتخابات را پذیرفته و در جریان آن به هیچ وجه اختلال نکند و در همین رابطه مقامات محلی رانا جایی که از برنامهای ضد شورگری نیروهای مسلح فاصله گرفته و از دوروز

قبل از انتخابات تا دوروز بعد از آن به آتش بس کردن گذارند، مورد تعرض قرار ندهند. دولت - نا پلثون دوارته میثوانست با پذیرش شروط فوق شش ماهه بیش تر از مهلت قانونی به هدف تحقق آن شرایط، همچنان بر سر کار بماند.

در ابتدا دولت، حزب اپوزیسیون دست راستی آرنا به رهبری آلفر دو کریستیانی که امیدهای موجهی به پیروزی در انتخابات داشت و نیز ارتش به بهانه میمنت پیشنهاد جبهه فابونندوما رتی با قانون اساسی السالو دور با آن مخالفت کردند. اما با دخالت کلیسای کاتولیک و بیش از آن فشار دولت آمریکا، مجبور شدند که از مخالفت علنی فاصله گرفته و به ما توری بردارند. این دقیقاً حزب دست راستی فوق و نیز معاون رئیس جمهور آمریکا - دان کویل - بودند که پیشنهاد جبهه فوق را مثبت دانسته و کویل در یک مباحثه مطبوعاتی در تاریخ ۴ فوریه در شهر سان سالو دور، آنها را کامی به پیش دانست. کنگره آمریکا که اکثریت اعضای آن - دمکراتها تشکیل میدهند، دولت دوارته را به قطع کمک ۴۰۰ میلیون دلاری آمریکا تهدید کرد و پس از این دخالت آمریکا بود که نه فقط دوارته، بلکه حتی فردی مثل "دو آویسیون"، سیاستمدار حزب آرنا و مرد پیش برده جوخه های مرگ با نشان دادن تفاهم ظاهری پیشنهاد دشمنی که به رهبران چریکها عفو کوتاه مدت داده شود تا آنها بتوانند در پارلمان السالو دور در مورد پیشنهاد جبهه فابونندوما رتی خود توضیح دهند. دوارته نیز از سایر احزاب خواست که پیشنهاد مقابلی تهیه کنند و آقای "خا ورمنا" گاندیدای حزب وی توافق خود را با تعویق انتخابات بعد شش ماهه اعلام نمود. از جانب دیگر چریکها خواستار آن شدند که ارتش بعنوان نیروی حاکم واقعی موضع خود را رسماً اعلام کند و حتی حاضر به شمدید آتش بس برای سه ماه دیگر شدند.

در مقابل این پیشنهاد بود که در تاریخ ۱۳ فوریه وزیر دفاع آقای "ویدس" کا زانو "ا" اعلام نمود که در صورت پذیرش تقاضای مبارز با قانون اساسی چریکها از سوی دوارته، ارتش کودتا خواهد نمود. روز بعد جبهه فابونندوما رتی اعلام کرد که در صورت حصول توافق با ارتش و پذیرش پیشنهاد تا این جبهه از سوی دولت به مبارزه مسلحانه نخواهد و فوراً اعلام آتش بس خواهد نمود. در روزهای ۲۰ و ۲۱ فوریه در دیدار ما بین نمایندگان این جبهه با سایر احزاب در شهر توروستی "اکستیک" در مرکزیک پیشنهادات فوق به تفصیل تشریح شده و علاوه بر شرایط با بیان مبارزه مسلحانه و ایجاد نیروهای مسلح ملی مورد قبول چریکها بشرح زیر بیان شدند:

- مبارزات کسانی که مسئول جنایات گذشته، نظیر قتل اسقف اعظم سان سالو دور "رومرو" و رهبران جبهه دمکراتیک انقلابی و نیز کشتارهای

مردم شناخته شده اند.

- کاهش نیروهای مسلح به تعداد ۱۲۰۰۰ نفر یعنی تعداد قبل از سال ۱۹۷۸ با هدف غیر نظامی کردن جامعه و شکستن قدرت سیاسی نیروهای مسلح.

- برچیدن کلیه نهاد های امنیتی وابسته به ارتش نظیر پلیس ملی و گارد ملی و تبدیل آنها به ارگانی تحت نظارت وزارت امور داخلی.

شفیق هندل، رئیس هیئت نمایندگان جبهه و رهبر حزب کمونیست السالو دور، در این دیدار در عین حال تاکید نمود که اگر به پیشنهادات فوق پاسخ مناسبتی داده نشود، شدت یابی فعلی آنها نظامی جبهه پاسخ مناسب چریکها خواهد بود. در پایان این دیدار بود که احزاب شرکت کننده و از جمله حزب آرنا بیانشیه ای را منتشر کردند که در آن از دوارته خواسته میشد که پیرامون پیشنهادات چریکها با آنها به مذاکره بپردازد. دوارته در پاسخ اعلام نمود که حاضر است انتخابات را تا ۳۰ آوریل به تاخیر اندازد و این پیشنهادها دوی فوراً از سوی ارتش و فابونندوما رتی پذیرفته شود. در حالیکه حزب آرنا همچنان خواستار برگزاری انتخابات در زمان قانونی آن بوده و "ائتلاف دموکراتیک" نیز همچنان به حمایت از پیشنهاد چریکها ادامه داد، زیرا تنها در صورت پذیرش این پیشنهاد بود که امکان برگزاری انتخابات واقعاً دموکراتیک وجود میداشت. جبهه فابونندوما رتی نیز همچنان خواستار تعیین زمان انتخابات توسط یک همه پرسی شد.

از سوی دیگر ارتش السالو دور از تاریخ ۱۳ مارس اعلام آتش بس یک طرفه نمود که بعلمت عدم توافق قبلی با چریکها، از سوی آنها پذیرفته نشد. در واقع ارتش همچنان در مناطق درگیری، جایی که بدون توافق قبلی میتوانست به حضور خود ادامه دهد و به حال امکان کنترل آتش بس نیز وجود داشت به عملیات نظامی بردارنده ای ادامه داد.

اما علت دست یازیدن نیروهای مختلف وابسته به الیکارشی حاکم در السالو دور به ما نوورهای مختلف در این واقعیت نهفته است که استراتژی ضد شورگری تنظیم شده از سوی آمریکا کاملاً شکست آنجا میدهد. جبهه آزادیبخش فابونندوما رتی بویژه در سال گذشته توانست که عملیات نظامی خود را به لحاظ جغرافیائی و نیز به لحاظ کیفی گسترش دهد. نقطه اوج عملیات فوق حمله به ستاد گارد ملی در تاریخ ۱۱ نوامبر سال گذشته بود که طی آن نسیمی از تسلیحات موجود در این محصل نابود شدند. علاوه بر چریکها موفق شدند که بیش از نیمی از رهبران محلی - شهرداران - را به استعفا مجبور نموده و با اینکار بنحوی قابل ملاحظه ای پاره ای از وجوه غیر نظامی استراتژی ضد شورگری ارتش را خنثی نمایند.

انتخابات هستند، برق السالوا دور بمدت ۶۶ ساعت قطع شد، پیروزی آرنامابه شیوه‌های مطمئن تری به دست آمد، این حزب برخوردار از منابع مالی عظیم، جوانان وابسته به اقشار مرفه طرفدار خود را ملیس به لباسهاش با پرچم سرنگ حزب - آبی، سفید و قرمز - به حوزه‌های انتخاباتی و بعنوان "ناظرین انتخابات" فرستاد. حوزه‌هایی که در آنها صندوقهای رای گیری ساخته شده از پلاستیک شفاف قرار داده شده بودند و تعجب آور نیست که پس از تجربه قتل‌های سیاسی توسط جوخه‌های مرگ که بلافاصله بعد از انتخابات محلی سال قبل صورت گرفته‌اند، کمتر کسی جرئت میکند که خود را در حوزه‌های انتخاباتی بعنوان طرفدار "ائتلاف دمکراتیک" علنی کند. علی‌رغم همه اینها، آرنام موفق شد که با به اجتماعتی خود را در مقامیسه با سال ۱۹۸۱ تقویت کند، آرنائی که کانسیدیدای آرنام "کریستیان" در یافت نمود، به سمت توجه به شرکت تنها ۶۰٪ از واجدین شرایط، در بهترین حالت تنها ۳۰٪ کل آرنام و واجدین شرایط است.

این ضعف الیکارشی حاکم بویژه پس از آخرین حملات نظامی چریکها، مورد قبول آنها نیز می‌باشد، و از این روست که "کریستیان" که در مساه ژوشن رسما کار خود را بعنوان رئیس جمهور شروع خواهد کرد اعلام کرده است که حاضر به مذاکره به چریکها میباید و بدین وسیله حتی تا شید آمریکا را نیز متوجه خود نموده است، جبهه آزاد بخت فورا بوند. ما رتی نیز اعلام کرده است که مذاکره با آرنام را نیز ممکن میدانند، زیرا بخشی از الیکارشی حاکم میتواند اتفاق بین تریا شدند و در عین حال مبارزه را همچنان ادامه دهد.

ک - فرایتناک

بین المللی اتخاذ میشود که خواهان تشنج زدائی در آمریکا مرکزی بوده و متحدین اروپائی آمریکا غالباً چنین موضعی دارند. استراتژی "جنگ تمام عیار" که از سوی آنها و ارتش السالوا مورد دنبال می‌شود و نیز پیروزی چریکها و "ائتلاف دمکراتیک" که پیشنها داد تا آنها نمی‌توانند بر احوالی حتی از سوی مدافعین دمکراسی بورژوازی رد شود، هیچیک مطلوب آمریکا نیست. در این شرایط است که جبهه فورا بوند و ما رتی تسریع روند تصمیم‌گیری از سوی دشمنان خود در باره استراتژی امپریالیزم در مورد السالوا دور و دخالت در این روند را ممکن میدانند. تنها چمنظما می‌پیروز مند چریکها در تاریخ دوم ماه مارس در مناطق اطراف سان سالوادور برای تعیین مبنای تحلیلی صورت گرفته است.

و بلاخره سیاست ارتش و حزب آرنام، دونهاینده اصلی الیکارشی علیرغم سردی تاکتیکی موضع آمریکا به جراد آمد، کانسیدیدای این حزب به کسب ۵۴٪ آرنام برنشد در حالیکه حزب دمکرات مسیحی تنها ۳۶٪ آرنام و ائتلاف دمکراتیک، کمتر از ۴٪ را بدست آوردند، اما مهمترین نتایج انتخابات، شرایط انجام آن هستند، چریکها علیرغم شرکت ائتلاف دمکراتیک اقدام به بایکوت انتخابات نموده و این سیاست را با یک رشته عملیات نظامی مورد تاکید قرار دادند، حتی در روز انتخابات و علیرغم اینکه قبل از آن عملیات نظامی بزرگی انجام شده بود، در استان از استان، تعداد ۵۰ عملیات نظامی انجام شدند، بزرگترین بایکوت حمل و نقل عمومی در تاریخ ۹ ساله مبارزه ملجان به موفقیت ۹۵٪ تا ۱۰۰٪ انجام شد، گرچه این اقدام بیشتر به زیان "ائتلاف دمکراتیک" تمام شده که طرفداران آن غالباً فاقد تمهیل برای شرکت در

بموازات پیروزیهای نظامی فوق، بحران سیاسی و اقتصادی در السالوا دور به تشدید قابل ملاحظه می‌آید. اجتماع منجر گردید و جبهه فورا بوند و ما رتی این ارزیابی را داشت که تحت شرایط دمکراتیک، نیروهای خلقی امکان دست‌یابی به یک پیروزی انتخاباتی را خواهند داشت. دشمنان جبهه فوق، حزب حاکم دمکرات مسیحی، در آرنام حزب آرنام و برنده انتخابات محلی سال گذشته و بلاخره ارتش در موقعیت دشواری قرار داشتند، حزب دمکرات مسیحی که با زنده‌مانی استراتژی ضد شورگری آمریکا بود، تا جائیکه تعویق انتخابات به سوی موقعیت بهتری در مقابل رقیب راست تر خود - حزب آرنام - میداد تا آن موافق بود اما در عین حال میخواست از پیروزی انتخاباتی و با پیروزی سیاسی آشکار نیروهای خلقی مانع بعمل آورد، حزب آرنام و ارتش السالوا دور، اکنون پس از شکست برنامهای ضد شورگری حزب دمکرات مسیحی، خواهان رودروشی مستقیم با جنبش توده‌ای، رودروشی که بلافاصله نظامی میتواند به معنای ریشه کن کردن بخشهای قابل ملاحظه‌ای از جمعیت غیر نظامی باشد، هستند.

در تحلیل نهائی اما ما نورهای احزاب مختلف الیکارشی نشان میدهند که نقش با زیرکانه‌ای از سوی آنها، بلکه توسط آمریکا است که ایفا میشود. دولت کنونی آمریکا بیش از دولت ریگان مجبور است که از حداقلی از حقوق بشرودمکراسی جانبداری کند و بجای درگیری مستقیم نظامی در صورت لزوم به فشار اقتصادی برای خنثی کردن یک انقلاب پیروز متوسل شود، این موضع نه صرفاً به خاطر طرز ننگین دمکراتها در کنفرانس بلکه همچنین به علت وضعیست

رشد نفوذ شایسم در اروپای غربی و آمریکا

از صفحه ۱

مسلحانه علیه حضور خراجیان و یهودیان در آلمان غربی وارد عمل شود، را ما در کرد. حکومت آلمان غربی، بویژه دو حزب قدرتمند "دمکرات مسیحی" و "سوسیال مسیحی"، علیرغم مخالفت‌های ظاهری با احزاب نفوذا شایسم در انتخابات و نیز در سیاستهای جاری مملکتی، بطور عمده همان سیاستهای راست افراطی را پیش می‌برند، جز در مواقعی که فرصت طلبانه دست از این شعارها بر میدارند و یا بویسیون مترقی و انقلابی مانع آنها میشود. روند روبه رشد نفوذ شایسم در اروپای غربی و آمریکا، روندی نگران کننده است که می‌باید مورد توجه بشریت مترقی قرار بگیرد.

اما بعد از رشد این جریانها در آلمان غربی و برلین غربی بگونه‌ای نگران کننده، ترچهره‌نمایشی میکنند، در پیرودمکراسی بورژوازی، جریانهای که افسران سابق نازی هدا ییگران آن هستند به پارلمان‌های پراهمیت راه یافته‌اند، در برلین غربی نفوذا شایسم‌های جمهوریخواه (Republikaner) با کسب بیش از هفت درصد آراء وارد پارلمان این شهر پراهمیت شدند، رهبران حزب از افسران سابق ارتش نازی است و به این امر نیز صراحتاً افتخار میکنند. در فرانکفورت نیز حزب نفوذا شایسم "ناسیونال دموکرات‌های آلمان" با کسب بیش از ۶ درصد آراء وارد پارلمان شهر شد و در شهرهای دیگر آلمان غربی نیز نفوذا شایسم‌ها به پارلمان‌های شهری راه یافته‌اند؛ علاوه بر این دو حزب جریانهای متعدد دیگر نفوذا شایسمی نیز در آلمان غربی فعالیت دارند و آنقدر در این رابطه آش شور بود که آشپز همگن نفوذا شایسم‌ها، یعنی وزیر کشور آلمان غربی، آقای سیمرمن، دستور منع فعالیت‌های یکی از جریانهای نفوذا شایسمی، که قصد داشت بطور

حول ناسیونال لیسم برتری طلبانه و عظمت طلبانه، نژادپرستی و مبارزه فدا نسانی با خراجیان در کشورشان، با یکدیگر درآیند، برای سهیم شدن در قدرت خیز برداشته‌اند، رویدادهای ماههای اخیر در کشورهای اروپای غربی، بویژه در آلمان غربی، رشده نگران کننده‌ای این جریان‌های ضد انسانی را در برابر دیدگان جهانیان قرار داده است. پس از ماجرای "لوپین" و "اودر فاسته" و "اودر فاسته"، اکنون سوئیس، دانمارک، انگلستان، اطریش، آلمان غربی و آمریکا شاهد رشد بیشتر "لوپین"‌های خود هستند.

در اطریش، حزب راست افراطی و نفوذا شایسم "آزادی اطریش" (FPÖ) بوهیری "ها پیدر" در ایالت‌های متعددی از اطریش آرای چشمگیری بدست آورده و راه به پارلمان‌های آن کشور یافته است. در آمریکا رهبران شناخته شده و جنا ییکنار "کولکوکس کلان"‌ها، همچون دوک "Duke" با حمایت جمهوریخواهان در ایالت‌هایی مثل لوئیزیانا بعنوان نماینده مجلس انتخاب شده‌اند...

با پیام کارگر همکاری کنید!

افغانستان

● با آغا زفضل بهار، تنها جمعه‌جا نبه
 و وسیع‌مجا همدین افغانی برای سرنوینی دولت
 این کشور سما آغا زنده است، کانون اصلی فشار
 نظامی مجاهدین، شهر جلال‌آباد در شرق کابل می
 باشد که می‌بایست با یخت "حکومت" سرهم‌بندی
 شده مجاهدین بشود، همراه با حمله به این شهر،
 فشار نظامی بر قندهار و سایر مناطق جنوبی و جنوب
 شرقی نیز افزایش یافته است. در نبردهای تاکنونی
 مجاهدین علی‌رغم بکارگیری سلاح‌های سنگین و زحمت
 تا ننگ و توپخانه سنگین و برخورداری از مشاوریین
 پاکستانی، با دادن تلفات سنگین موفق به
 هیچگونه پیشرفت نظامی چشمگیر نشده و استیصال خود
 را با اعلام شتاب زده، فتوحات ذهنی خود، مثلاً شغال
 فرودگاه و یا بخشی از شهر، وین گرفتن بعدی این
 ادعاها به نمایش گذاشتند. علی‌رغم اینکه شهر جلال
 آباد اکنون کاملاً محاصره شده است، وضع بلحاظ
 نظامی در کنترل نیروهای دولتی است که به
 هلیکوپتر کمک دریافت میکنند و به علت حمایت موثر
 نیروی هوایی افغانستان، تاکنون موفق شده اند که
 کلیه خطوط دفاعی و استحکامات خود را حفظ کرده
 و حملات دشمن را خنثی کنند.

بر طبق گفته مقامات دولتی افغانستان و
 شوروی، با توجه به تمایل پاکستان به ایجاد یک
 فدراسیون اسلامی از دو کشور که رسماً توسط رئیس
 جمهور این کشور برای زنده است، در درگیریهای اطراف
 جلال‌آباد و احدهای ارتش پاکستان و فرماندهان
 بلندپایه ستاد ارتش این کشور در نبردها شرکت
 داشته و هدایت حملات به شهر جلال‌آباد توسط ژنرال
 های پاکستانی صورت میگیرد. همچنین متخصصین
 نظامی عربستان سعودی نیز فعلاً لانه در نبردها شرکت
 دارند و این اقدامات که با حمایت آمریکا صورت
 میگیرد با این هدف است که با تسخیر جلال‌آباد
 و اعلام آن بعنوان پایتخت دولت مجاهدین، راه برای
 جانداختن چنین دولتی در صحنه بین‌المللی
 باز شود. از همین روست که دولت شوروی ضمن مذاکره
 با دبیرکل سازمان ملل از وی خواسته است که این
 سازمان با برگماری تعدادی از ناظرین خود در مرز
 افغانستان و پاکستان، به دولت این کشور اجازه
 ندهد که با نقض صریح موافقت نامه ژنو، در امور
 داخلی افغانستان مداخله کند. از سوی دیگر بر طبق
 اطلاعات منتشره در مطبوعات شوروی، دولت
 افغانستان تاکنون نزدیک به نیم میلیون نفر از
 اعضای حزب و سازمانهای توده‌ای و دفاع محلی را
 مسلح نموده و در شهرها بویژه در کابل، علاوه بر ارتش
 منظم و استحکامات نظامی سنگین، دفاع توده‌ای و
 محلی به نحو منضبط و متشکلی سازمان داده شده است،
 بطوری که اکنون کمتر روزنامه‌نگار و ناظر غربی
 بر این تصور است که مجاهدین بتوانند به سهولت
 دولت را سرتگون کنند. بر طبق اطلاعات همین منابع،
 پاره‌ای از فرماندهان محلی مجاهدین دست به
 اقداماتی برای شماس با دولت و مذاکره با آن
 زده اند.

انتخابات شورای عالی اتحاد شوروی

● سومین مرحله انتخابات شورای عالی
 اتحاد شوروی در این کشور با شرکت بیش از ۸۰ درصد
 واجدین شرایط به پایان رسید. در مراحل قبلی
 انتخابات، معرفی کاندیدها و برنامهمهای
 انتخاباتی آنها و سپس انتخابات کاندیدها
 که در لیست رایگیری قرار می‌گرفتند صورت گرفته
 بود که در طی آن در اکثریت بزرگی از حوزه‌های
 انتخاباتی بیش از یک کاندید در لیست نهایی
 قرار گرفتند. در کنگره حزب کمونیست و سازمانهای
 توده‌ای، گروههای سیاسی و اجتماعی غیر رسمی و نیز
 جبهه‌های خلق در سه جمهوری بالتیک اقدام به
 معرفی کاندیدان نمودند که این گروهها
 و نیز افراد غیر حزبی تاکنون ۲۰٪ نمایندگان انتخاب
 شده را بخود اختصاص داده اند. در تعدادی از حوزه
 های انتخاباتی، بویژه در آنها که به دلایل
 مختلف و از جمله اعمال نفوذ ارگانهای حزبی تنها
 یک کاندید معرفی شده بودند، انتخابات به دور
 دوم موقوف شد. در شهرهای مهمی نظیر لنینگراد و کیف
 رهبران حزبی ویا کاندیدهای رسمی حزب با انتخاب
 نشدن اما مهمتر از همه گرایش عمومی رای دهندگان
 به عدم انتخاب آن کاندیدها با وجود اینکه به
 عنوان محافظه کار رویا مخالف پروستریکا شناخته
 شده اند در مقابل طرفداران رادیکال رفرمهای

آلمان فدرال

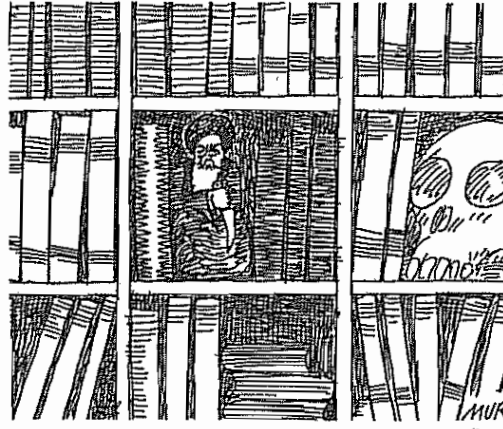
● راهپیمایی‌های عید پاک (استرامارش) با
 شرکت بیش از ۲۰۰ هزار نفر در دهها شهر بزرگ و کوچک
 آلمان فدرال با شعارهای در مورد خلع سلاح،
 بهبود محیط زیست و مبارزه با بیکاری و نیز شعار
 های ضدفاشیستی، برگزار شدند. در این راهپیمایی
 ها در مورد صلح و خلع سلاح و درخواست اقدامات
 مشخص از سوی ناتو و دولت آلمان فدرال برای
 کاهش تشنج طرح شدند و در بسیاری از قطعات
 پایانی تظاهرات، شرکت کنندگان سیاست ائتلاف
 حاکم کنونی خود را از طرح پیشنهادات مشخص
 راجع به خلع سلاح در اروپا را مورد انتقاد قرار
 دادند. در زمینه محیط زیست، برچیدن نیروگاه
 های اتمی در مرکز خواسته‌های راهپیمایان قرار
 داشت. سیاستهای اجتماعی دولت "گهل" در مورد
 رفاههای بهداشت و بازنشستگی و نیز گروا پسات نشو
 فاشیستی احزاب دست راستی بویژه بر علیه خاچیان
 از موضوعات دیگر راهپیمایان بودند. در بسیاری از
 قطعات ما نیز خواسته‌های رای برای خارجیان در
 انتخابات محلی طرح شدند.

منتشر شده است:

بوتنی می‌خواست طرح برنامه شماره ۱

استقرار خارجی... از صفحه ۶
 مشارکت خارجی و استفاده از منابع خارجی برای
 کشور مفید است یا خیر؟ من بطور صریح پاسخ میدهم
 که مفید است چون تجربیات موجود نشان دهنده
 اینست که کشورهایی که از این زمینه استفاده نکرده
 اند بهر حال پس از چند سال پشیمان شده اند.
 (کبهان ۳ دیماه ۶۷)
 اقتصاد و سیاستهای اقتصادی کشور دوچهره
 دارد. چهره آشکار و علنی چهره پنهان، سیاستهای
 رسمی اقتصادی و سیاستهایی که تنها در پشت درهای
 بسته اتفاقا دورتر از ریگی اعمال میشوند. سیاستهای
 رسمی و اسرار محرامنه حکومتی رژیم جمهوری اسلامی
 تاکنون به وضوح تمام نشان داده است که آن نگاه که
 ضرورت ایجاد میکند، تا اسرار یافت شوند و امتحان
 الله توجیه و لقا گردند، ابتدا این سیاستها اجرا
 میگردد و سپس اعلام، با وجود اینکه رژیم میکوشد
 تا وانمود سازد که به استخفا پدیده بیوزانس، در
 زمینه استقرار دست به اقدام نه تنها صرفاً از آن
 سخن می‌گوید، و اهمیت بگیرد بر آن گواهی دارد
 که رژیم فقها در پشت پرده‌های فروعیا فساد، به باب
 بحث و مذاکره تا حد عقده‌مانند و فراوانی
 انحصارات فراملیتی و کشورهای امپریالیستی
 ارتقاء داده است. این چنین است که با بیگفت
 طرف مجلس ما خود دل می‌برد، علی‌الخصوص که
 پیراهنهای بدویستند!

انعکاس جهانی فتوا و "آیه های شیطان"



خمینی را محکوم دانستند، یوسف ادیس در ایستگاه راه‌آهن گفت: "من از اینکه یک دیوانه خون‌خوار روحه با زدرسن ۸۹ سالگی هنوز به خودا جا زه میدهدا زجا نباسلام و مسلمانان سخن بگویدا حساس شرم می‌کنم!"

در اروپای غربی، آمریکا و ژاپن، تلاش دولت‌ها برای کاهش تنش سیاسی میان خود و جمهوری اسلامی چشمگیر است. پس از اولتیماتوم مجامع آخوندی به انگلستان، کرشمه‌های محافظه‌کارانه‌ی خاتمی تا چرو وزیر امور خارجه اش مبنی بر محکوم کردن کتاب رشدی بدلیل "اها نت به اسلام" و حتی "اها نت به انگلیس" برای آخوندها کافی بنظر نرسید و جمهوری اسلامی روابط سیاسی اش را با انگلستان قطع کرد. در همین حین ویس، محتشمی وزیر کشور روزنامه‌ها را برخواهان قطع روابط اقتصادی با انگلستان و نیز اتخاذ تصمیمات تنبیهی برای آلمان غربی شدند که تاکنون به این درخواست واقعی گذاشته نشده است. برخی از کشورهای اروپای غربی مناسباتشان هنوز در سطح قطع روابط دیپلماتیک وجود دارد و برخی دیگر نیسیز عقب نشینی‌های کرده و در حال برگرداندن سفرای خود به ایران هستند. ایتالیا اخیراً در زمینه دلایل قطع ارتباط خود به قتل عام خیرزندان سیاسی نیز اشاره داشته است. در فرانسه، رئیس مجلس فرانسه اعلام نمود که "تکس که فرمان قتل صادر میکند خود قاتل است" و دولت فرانسه طی هفته‌های گذشته نیز راهبیمانی مسلمانان علیه کتاب سلمان رشدی را غیرقانونی اعلام نمود. دولت ژاپن در موضع گیری ای رقیب تراز سایر کشورهای اروپای غربی و آمریکا کانا دا، تنها به محکوم کردن فتوای قتل اکتفا نمود و شرکت‌های ژاپنی خواست میزان خرید نفت خود را از ایران، بعنوان اعتراض، کاهش دهند. اگرچه مسلمانان ساکن در کشورهای اروپای غربی و آمریکا در اعتراضات متعدد، علیه سلمان رشدی و کتابش دست به اعتراض زدند، اما حمایت از فرمان خمینی در میان مسلمانان ساکن در این کشورها چشمگیر نبود. در این نوع اعتراضات کتاب فروشی‌های متعددی در اروپا و آمریکا مورد حملات خشونت‌بار قرار گرفت، که بزرگترین خسارت متوجه یک بنگاه انتشاراتی در نیویورک بود که انفجار بمب سبب خسارات فراوانی به این مرکز شرکت کتاب که "آیه‌های شیطان" را نیز در معرض فروش قرار داده بود، شد.

جدا از دولت‌های مذکور مسلمانان ساکن این کشورها، محافظ‌مترقی و هنرمندان و

بیرا مون فتوی خمینی نیز وقتی ننهاد. در مسکو جمعی از نویسندگان و روشنفکران در تظاهراتی در برابر سفارت جمهوری اسلامی در مسکو فتوی خمینی را محکوم کرده و سکوت کشور خود را در این باره "بی‌توجهی به حق آزادی بیان و قلم" از سوی اتحاد شوروی معرفی نمودند، و خواهان انتشار این کتاب در شوروی، که مورد مخالفت دولت است، شدند. یوگسلاوی ادامه‌ی انتشار ربا ورقی آیات شیطان را بدلیل اشکالات فنی! معوق نگه‌داشته است. در بوداپست از سوی نهستی از نویسندگان و روشنفکران فتوی خمینی محکوم شد و جمعی از برجسته‌ترین نویسندگان نیکاراگوئه نیز، در نامه‌ای به مقامات جمهوری اسلامی از حق آزادی بیان دفاع کرده و خواهان لغو فتوی خمینی شدند.

در مجموع فتوی خمینی حتی پیش نهاد رفسنجانی مبنی بر اینکه "غرب با بدستور قاطع بدهد که کتاب آیات شیطان جمع آوری و سوزانده شود" (نما زجمعه ۱۹۹ سفند)، مورد حمایت قرار نگرفته است و جز در روستای جنایتکار حزب الله در لبنان و جنایتکارانی مثل هادی غفاری، سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان، ویا علی اکبر جواد نکسبر، سرپرست نماز بندگی جمهوری اسلامی در مالدیو و دیگر جنایتکاران حزب الهی ریزودرشت که "پیام‌ها نشان مبنی بر آماجگی برای قتل سلمان رشدی، قلب سنگی جلا دجا را نشان می‌دهد" است، حمایت از فرمان قتل "شیطان بزرگ جهسان اسلام" بعمل نیا مده است!

فتوی خمینی بوعده‌های پولی (که جمع آوری آن همراه با ترغیب مردم به کشتار در بریتانیا زک‌زیدن حساب بانکی ووا ریز پول که به قتل سلمان رشدی اختصاص یافته، صورت گرفته است، و نیز بوعده‌های معنوی که "هرکس در راه کشتن سلمان رشدی و ناشرین کتاب، کشته شود شهید است انشاء الله تعالی...") تا کنون حاصلی جز اینکه بیش از هر چیز ما هیست جنایتکارانه و فسادناشی خمینی و حکومتش را در برابر دیدگان مردم جهان آشکارا زده، پنداشته است.

الکساندر بوبین مفسر بیروتی در مقاله‌ای در نشریه اخبار مسکو این موضع دولت اتحاد شوروی را به نقد کشیده و از حق آزادی رشدی هم دفاع کرد.

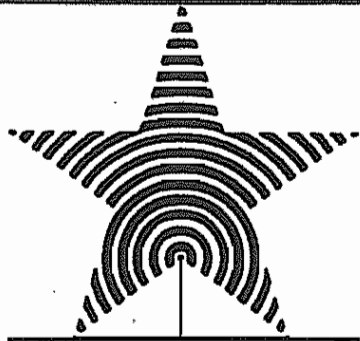
روشنفکران این کشورها فتوای خمینی را قویا محکوم دانستند و آن را امری غیر انسانی معرفی نمودند. در همین رابطه هزارتن از روشنفکران و هنرمندان پیام همبستگی ای در رابطه با حق آزادی بیان و قلم، بدون موضع گیری بیرا مون محتوی کتاب، منتشر یا ختند، در میان امضاء کنندگان، نویسندگان و هنرمندان برجسته‌ای همچون سا موئل بکت گراهام گرین، فرانسوا ساسکان و... نیز وجود دارند. در سوئد بعزت عدم موضع گیری انجمن ار اشته جوا بیزنوبل، دو تن از برجسته‌ترین اعضا آن استعفا دادند و در آمریکا نیز شب‌رمان خوانی، که به قرائت "آیه‌های شیطان" اختتام یافت، توسط نویسندگان معروف آمریکا، برگزار گردید. بسیاری از نشریات اروپای غربی و آمریکا میادرت به انتشار بیخ‌های از کتاب "آیه‌های شیطان" نمودند که غالباً همراه با افشاگری‌های علیه رژیم جمهوری اسلامی، بویژه در رابطه با قتل عام خیرزندان سیاسی بود. بیش از ۵۵ ناشر آلمانی زبان، از کشورهای آلمان غربی، اتریش و سوئیس در یک اقدام مشترک، تحت عنوان "احترام به منشور زمان ملل در رابطه با آزادی کلام و اندیشه" میادرت به چاپ کتاب بگردند. اندوا اعلام نموده‌اند که در آلمان میادرت به فروش کتاب را، در اختیار نویسندگان زندانی در جهان و خانواده آنها قرار خواهد داد...

کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان، اکثراً مساله کتاب "آیه‌های شیطان" بویژه فتوی شیطان خمینی را، چندان بر اهمیت تلقی نکردند! اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی موضع گیری ای رسمی و قاطع ار اشته نکرد و فقط گاه با گفته‌های دوپهلوی، آنهم به بعنوان موضع گیری، مساله را دور زده است. اتحاد شوروی به خواست آمریکا در باره موضع گیری

**با کمک‌های مالی خود
سازمان را در امر مبارزه
انقلابی یاری رسانید**

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

انعکاس جهان‌نی فتوا و "آیه‌های شیطان‌ی"



صدای کارگر

راه‌پویان مبارزان کارگران انقلابی ایران در راه آزادی

برنامه‌های سرتاسری صدای کارگر:

■ هر روز ساعت ۱/۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میگردد.

■ این برنامه ساعت ۱/۵ ۸ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجدداً تکرار میشود.

■ جمعه‌ها برنامه ویژه پخش میگردد.

■ ■ ■

برنامه‌های صدای کارگر ویژه کزدستان:

■ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه

ساعت ۴ بعد از ظهر بزبان کردی و فارسی

روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴

مگاهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای

یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار

میگردد.

■ جمعه‌ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش

میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر

جمعه تکرار میگردد.

مسأله در صدر مباحث قرار گرفت و تنها در کمیسیون - های فرهنگی و سیاسی به بحث پیرامون آن پرداخته شد، بلکه اجلاس فرمان "مهدورالدم" بودن مسلمان رشتی را نیز تا شید نکرد و تنها به محکوم کردن او بسنده نمود!

رژیم جمهوری اسلامی جدا از اقدامات فسوق، عوامل خود را همراه با مسلمانان بنیادگرای سایر کشورها، برای برپائی اعتراضات گسترده و گناه خشونت با در کشورهای مختلف بسیج کرده است، که تاکنون تنها در هندوستان و پاکستان منجر به کشته شدن ۱۹ تن گردیده است. در این میان اکثر دولت - های کشورهای اسلامی تنها به محکوم کردن نویسنده و تحریم کتاب اکتفا نمودند، که جدیدترین شان دولت مالزی است. دولت مالزی حتی ورود نشریات خارجی ای را که در باره مسلمان رشتی و کتاب او مطلب نوشته اند به مالزی ممنوع اعلام کرد. از سوی دیگر بسیاری از محافل روشنفکری و هنرمندان کشور های اسلامی، به ویژه در کشورهای عربی، فتوای خمینی را محکوم کرده و به دفاع از آزادی بیان و قلم‌بیر - خاستند. "نجیب محفوظ" نویسنده مصری که جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۸۸ را گرفت، ضمن محکوم کردن فرمان خمینی، او را تروریست نامید و گفت: "آنکس که باید مجازات شود رشتی نیست، خمینی است." نویسنده‌های معروف جهان عرب؛ "طارق علی" نویسنده پاکستانی، "عبدالوکیل حذب" نویسنده تونسی، "یوسف ادیس" نویسنده مصری و... فتوای در صفحه ۱۵

با آنکه بیش از دو ماه از فرمان شیطان‌ی خمینی مبنی به "مهدورالدم" بودن، نویسنده‌ی هندسی الاصل انگلیسی می‌گذرد، اما هنوز اعتراض و جنجال پیرامون فتوای خمینی و کتاب با برجا است. مسأله‌ی مسلمان رشتی و کتابش، نه به عنوان دفاع از او و محتوای کتابش، بلکه بعنوان نمادی از ضرورت دفاع از حق آزادی قلم و بر لزوم عقیده، بنیادگستراسی و ددمنشئی یکی از مغفوترترین رهبران مذهبی و سیاسی، از مسائل پراهمیت روز است، و تلائش‌های گوناگون برای کاهش اهمیت این مسئله از سوی برخی دولت‌های اروپائی و نیز دولت‌های سوسیالیستی راه‌به‌جائی نبرده است:

جمهوری اسلامی فعالیت دیپلماتی خارجی خود را عمدتاً معطوف به این امر کرده است که حمایت کشورهای اسلامی را در رابطه با تا شید فتوای خمینی بدست آورد، اما تاکنون موفق نبوده است. سفر آیت‌الله جنتی به کشورهای حوزه خلیج و نیز "شاخ و شانه کشیدن" آخوندها برای کنفرانس کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از اقدامات اخیر جمهوری اسلامی است. در کنفرانس جهان‌نی کشورهای اسلامی که از روز دوشنبه ۲۲ اسفند ماه در ریاض پایتخت عربستان سعودی برگزار گردید، تلائش هیئت گسیل شده از سوی جمهوری اسلامی برای این بود تا بحث پیرامون کتاب "آیه‌های شیطان‌ی" در صدر مباحث قرار گیرد و اجلاس نیز حکم قتل مسلمان رشتی را مورد تأیید قرار دهد، اما نه تنها این

نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) را مشترک شوید!

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت ویا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	امریکا و سایر نقاط با پست هوآئی
راه‌کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰	۳۱ مارک ۶۲
راه‌کارگر بین‌المللی راه‌کارگر بزبان انگلیسی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۸ مارک ۱۶	۱۰ مارک ۲۰
پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور (۱۵روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶	۳۳ مارک ۶۶

آدرس:

شماره حساب بانکی:

Postfach 650226
1 BERLIN 65

H- Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 100700000 -
Konto-Nr: 5208533

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

نام و نشانی کامل مشترک:

الطفا تغییر نشانی‌تان را اطلاع دهید!